

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 65

Date of filing: 16 April '86

** AWARD - Type of Award Final
- Date of Award 16 April '86
_____ pages in English 86 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

AWARD

Case No: 65

Chamber One

پرونده شماره ۶۵

شعبه یک

حکم شماره ۱ - ۶۵ - ۲۲۱

DUPLICATE
ORIGINAL

دستخبر برابر اصل

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه دآوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
Date	16 APR 1986
	تاریخ
	۱۳۶۵ / ۱ / ۲۷
No.	65
	شماره

کامپیوتر ساینسز کورپوریشن ،

خواهان ،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،

وزارت دارائی ،

وزارت دفاع ملی ،

صنایع هواپیمائی ایران ،

ایز ایران ،

بانک ملت ، بانک تجارت ،

وجانشینان واحدهای زیر :

نیروی هوائی شاهنشاهی ،

نیروی زمینی شاهنشاهی ،

نیروی دریائی شاهنشاهی ،

ژاندارمری کل کشور ،

شهربانی کل کشور ،

ستاد بزرگ ارتشتاران ،

خواندگان .

حکم

حاضران :

از جانب خواهان : آقای بی. فیشرن

خانم سی. ولو

آقای ام. کلادفلتر

وکلای خواهان ،

آقای ای. گامبارو

آقای تی. رابینسون

آقای جی. پرینتی

نمایندگان خواهان ،

از جانب خواندگان : آقای محمدکریم اشراق ،

نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران ،

آقای سیدخلیل خلیلیان

مشاور حقوقی نماینده رابط ،

آقای سهراب ربیعی

دستیار نماینده رابط ،

آقای علی عزیزی

نماینده وزارت دارائی ،

آقای محمد نبوی

آقای علی اصغر زرگر ،

آقای م. سجادی

وکیل ایزایران ،

آقای نصراله سالمی ،

آقای جواد شجنی

نمایندگان ایزایران ،

آقای حشمت امیری ،
نماینده صنایع هواپیمائی ایران ،

آقای سعید اشتری ،
وکیل بانک ملت ،

آقای آقا مالیان ،
نماینده بانک ملت ،

آقای محسن کاکاوند ،
نماینده بانک تجارت ،

سایر حاضران : آقای دی. ام. پرایس ،
قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده آمریکا ،

ادعاهای پرونده حاضر از سه قرارداد راجع به خدمات داده پردازی خودکار برای سیستمهای اطلاعاتی مدیریت نظامی ، ناشی می شود. خواهان ، کامپیوتر ساینسز کورپوریشن ("سی اس سی") مدعی است که خواندگان ، صنایع هواپیمائی ایران ("صنایع هواپیمائی") و اینفرمیشن سیستمز ایران ("ایزایران") قراردادها را بعلاوه یک موافقت نامه حل و فصل که بعداً منعقد گردید ، با عدم پرداخت مبالغ لازم التاء دیه نقض کرده اند. نامبرده همچنین ادعا می کند که خواندگان برخی اناشه و تجهیزات اداری را صادره کرده و من غیر حق وجوه تودییی در حسابهای بانکی در ایران را گرفته یا ضبط کرده اند. خواندگان ادعاهای متقابلی بابت خسارات متحمله ادعائی طبق قراردادها ، اضافه پرداختهای ادعائی بابت قراردادها ، مالیات و حق بیمه اجتماعی مطرح ساخته اند .

در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۸۵ (۲۹ فروردین ماه ۱۳۶۴) دیوان قرار اعدادی در پرونده حاضر راجع به اعتبار موافقت نامه حل و فصل مربوط به بخشی از ادعاها، صادر نمود (قرار اعدادی شماره ۱ - ۶۵ - ۴۹).

اول - سوابق امر

دیوان داوری مقدماتاً " به تعدادی موضوع شکلی که تصمیم راجع به آنها را به بعد از استماع پرونده موکول کرده بود ، می پردازد .

طی دستوری که در ۶ فوریه ۱۹۸۵ (۱۷ بهمن ماه ۱۳۶۳) به ثبت رسید ، جلسه استماعی در پرونده حاضر در روزهای ۲۷ و ۲۸ ژوئن ۱۹۸۵ (۶ و ۷ تیرماه ۱۳۶۴) برگزار گردید.

در ۱۵ مارس ۱۹۸۵ (۲۴ اسفندماه ۱۳۶۳) ، دیوان داوری دستوری صادر و ضمن آن از طرفین تقاضا کرد که تا تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۸۵ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴) کلیه ادله و مدارکی را که قبلاً تسلیم نشده و طرفین مایلند بدان استناد کنند ، و تا تاریخ ۳۱ مه ۱۹۸۵ (۱۰ خردادماه ۱۳۶۴) کلیه مدارک معارض را به ثبت رسانند . در اول مه ۱۹۸۵ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴) خواهان سه مجلد مدرک همراه بایک لایحه پیش از استماع به ثبت رسانند. خواهان در لایحه پیش از استماع خود کلیه دعاوی خویش را به تفصیل مورد بحث قرار داد . علاوه بر این ، دیوان داوری طی قرار اعدادی صادره در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۸۵ (۲۹ فروردین ۱۳۶۴) نظراً داد که موافقت نامه حل و فصل مورد اشاره در فوق معتبر و لازم الرعایه بوده و رسیدگی به دعوی باید براساس آن موافقت نامه و نه قراردادهای اصلی ، ادامه یابد . بالنتیجه ، قسمت اعظم ادله و مدارک خواهان راجع به ادعای خود جهت نقض موافقت نامه حل و فصل ، اولین بار در تاریخ اول

مه ۱۹۸۵ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴) ارائه گردید. خوانندگان تا تاریخ مقرر برای تسلیم کلیه مدارکی که مایل بودند در اثبات ادعاهای متقابل خود مورد استناد قرار دهند، هیچ دلیل و مدرکی ارائه نکردند. دیوان تاریخ تسلیم مدارک معارض را تا ۲۱ ژوئن ۱۹۸۵ (۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۴) تمدید کرد، و در آن تاریخ خواهان استدلال و مدارک خود را در باره ادعاهای متقابل تسلیم نمود.

همچنین در ۲۱ ژوئن ۱۹۸۵ (۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۴) ایز ایران لایحه‌ای در رابطه با جلسه استماع مقرر برای روزهای ۲۷ و ۲۸ ژوئن ۱۹۸۵ (۶ و ۷ تیر ماه ۱۳۶۴) حاوی استدلال و مدارک مربوط به دفاعیه و ادعاهای متقابل خود، به ثبت رساند و در ۲۵ ژوئن ۱۹۸۵ (۴ تیر ماه ۱۳۶۴) بانک تجارت لایحه‌ای توجیهی در پاسخ به لایحه پیش از استماع خواهان ثبت کرد. در جلسه استماع، نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران و ایز ایران درخواست تشکیل جلسه استماع دیگری را نموده، استدلال کردند که مدارک پیش از استماع تسلیمی توسط خواهان آنقدر دیر به ثبت رسیده و آنقدر حجیم است که خوانندگان فرصت کافی برای پاسخگویی بدانها را پیش از جلسه استماع، نداشته‌اند. ایشان درخواست کردند که در غیر این صورت، دیوان به ایشان اجازه دهد که بعد از استماع مدارکی به ثبت رسانند. دیوان تصمیم راجع به این درخواستها را به بعد از استماع موکول ساخت.

طی دستوری که در دوم ژوئیه ۱۹۸۵ (۱۱ تیر ماه ۱۳۶۴) به ثبت رسید، دیوان "با در نظر گرفتن وضعیت استثنائی این پرونده" و "با توجه به سابقه ویژه رسیدگی به پرونده حاضر، از جمله صدور قرار اعدادی شماره ۱ - ۶۵ - ۴۹، و با توجه به اظهاریه‌هایی که پس از صدور قرار مزبور دریافت گردیده" به خوانندگان اجازه داد که تا تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۸۵ (۱۴ مرداد ماه ۱۳۶۴) یک لایحه بعد از استماع به ثبت رسانند. قرار بود لایحه بعد از استماع محدود به رد ادله و مدارک

و استدلالاتی باشد که خواهان قبلاً" در تائید ادعاهای خود ارائه کرده و اولین بار ضمن مدارک پس از استماع مورخ اول مه ۱۹۸۵ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۴) اقامه گردیده بود. دیوان در آن دستور اعلام کرد که مهلت داده شده برای تسلیم مدارک بعد از استماع خوانندگان تمدید نخواهد شد.

در ۱۵ اوت ۱۹۸۵ (۱۴ مردادماه ۱۳۶۴) متن فارسی لایحه بعد از استماع توسط ایزایران تسلیم گردید. اظهاریه کتبی مذکور از آنحا که فقط به یک زبان تسلیم شده بود، رسماً" در دفتر دیوان به ثبت نرسید و به خواهان نیز ابلاغ نشد. رجوع شود به تبصره ۲ ماده ۱۷ قواعد دیوان. در همان زمان، نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران برای ثبت متن انگلیسی لایحه و تسلیم مدارک بعد از استماع خوانندگان تقاضای ۱۵ روز مهلت اضافی نمود. خواهان به درخواست تمدید خوانندگان اعتراض کرده و حق خود را جهت درخواست مهلت برای پاسخگویی به هرگونه مدرک پس از استماعی که خوانندگان مجاز به ثبت باشند، محفوظ داشت. در ۸ اوت ۱۹۸۵ (۱۷ مردادماه ۱۳۶۴) ایزایران ضمیمه لایحه بعد از استماع خویش را به فارسی تسلیم کرد. در ۱۲ اوت ۱۹۸۵ (۲۱ مردادماه ۱۳۶۴) صنایع هواپیمائی لایحه پس از استماعی را ثبت نمود. در ۱۴ اوت ۱۹۸۵ (۲۳ مردادماه ۱۳۶۴) بانک ملت لایحه بعد از استماع خویش را به ثبت رساند. در ۲۵ اوت ۱۹۸۵ (۲۹ مردادماه ۱۳۶۴) لایحه پس از استماع ایزایران همراه با ضمیمه آن به فارسی و انگلیسی به ثبت رسید. خواهان تقاضا کرد که یا لوائح بعد از استماع خوانندگان غیرمجاز شناخته شده و یا به خواهان اجازه پاسخگویی داده شود.

دیوان داوری، ضمن دستوری که در ۴ سپتامبر ۱۹۸۵ به ثبت رسید، لوائح بعد از استماع ایزایران، صنایع هواپیمائی و بانک ملت را، غیرمجاز شناخت. دیوان ضمن اشاره به نکته‌ای که صراحتاً" در دستور ثبت

شده در دوم ژوئیه ۱۹۸۵ (۱۱ تیرماه ۱۳۶۴) قید شده بود ، مبنی بر اینکه مهلت داده شده جهت تسلیم لوایح پس از استماع تمديد نخواهد شد ، خاطرنشان ساخت که "خوانندگان هیچگونه دلیلی برای تاخیر در تسلیم لوایح خود ذکر نکرده و ضمناً وجود هیچگونه شرایط غیرقابل پیش بینی که می توانسته در ثبت لوایح بعد از استماع موثر باشد ، به دیوان اطلاع داده نشده است ."

در ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۵ (دوم مهرماه ۱۳۶۴) نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران درخواست کرد که دیوان در دستور ثبت شده در چهارم سپتامبر ۱۹۸۵ (۱۳ شهریورماه ۱۳۶۴) خویش تجدید نظر نموده ، و کلیه لوایح بعد از استماع خوانندگان را بپذیرد . نامبرده استدلال کرد که "با عنایت به شرایط بحرانی و فشارهایی که بر خطوط مواصلاتی داخلی و خارجی ایران حاکم است " مطالب اظهار شده در درخواست تمديد ثبت شده در ۵ اوت ۱۹۸۵ (۱۴ مردادماه ۱۳۶۴) وی ، مبنی بر اینکه لوایحی که هنوز ثبت نشده اند ، تهیه و از ایران ارسال شده ولی هنوز به دفتر وی نرسیده اند ، "به نحو بارز و گویا ، عذر قابل قبول و موجهی را برای عدم ثبت بموقع "آن لوایح ارائه می دهند . نامبرده استدلال کرد که "با توجه به ... حقایق مشهور و دشواریهایی که خوانندگان با آن دست به گریبانند " ، اولاً "مهلت تعیین شده برای ثبت لوایح پس از استماع خوانندگان بسیار کوتاه بوده ، و ثانیاً " ، دیوان باید تاخیرات کوتاه در ثبت لوایح را همانطور که تا بحال معمول بوده ، مورد اغماض قرار دهد تا به هر طرف فرصت کامل برای اقامه دفاع به ترتیب مقرر در ماده ۱۵ قواعد دیوان ، داده باشد . بالاخره ، نماینده رابط چنین استدلال کرد که چون می توان به خواهان فرصت پاسخگویی به لوایح بعد از استماع خوانندگان را داد ، لذا تسلیم این لوایح ببعدها نسبت به خواهان به شمار نمی رود . خواهان ، متعاقباً " از دیوان درخواست

کرد که تصمیم خود مبنی بر عدم اجازه ثبت لوایح بعد از استماع خوانندگان را تأیید نماید.

دیوان داوری خاطر نشان می‌سازد که در درخواست نماینده رابط ایران که در ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۵ (دوم مهرماه ۱۳۶۴) ثبت گردیده، نه به هیچگونه اوضاع و احوال غیرقابل پیش‌بینی که در ثبت لوایح پس از استماع موثر بوده باشد، اشاره شده، و نه هیچگونه دلیل تازه‌ای برای تأخیر در ثبت آن ارائه گردیده است. دیوان داوری از مشکلات ارتباطی که خوانندگان ایرانی با آن مواجه‌اند آگاه بوده و این مشکلات را در پرونده حاضر مدنظر قرار داده است. با توجه به این امر و نیز سابقه شکلی پرونده و ماهیت ویژه لوایح بعد از استماع، دیوان هیچ ضرورتی برای تجدیدنظر در تصمیم خود مبنی بر عدم اجازه ثبت لوایح بعد از استماع خوانندگان، نمی‌بیند.

دوم - واقعیات و اظهارات

سه قرارداد اصلی در این پرونده مطرح است. اولین قرارداد در ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۲ (۲۷ اکتبر ۱۹۵۱) توسط سی‌اس‌سی و صنایع هواپیمائی، منعقد شد ("قرارداد ۱۹۷۲") دومین آنها در ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۴ (۲۴ تیرماه ۱۳۵۳) بین سی‌اس‌سی و ایزایران ("قرارداد ۱۹۷۴") و قرارداد سوم در ۱۹ اکتبر ۱۹۷۵ (۲۷ مهرماه ۱۳۵۴) توسط شرکت فرعی سی‌اس‌سی، یعنی سی‌اس‌سی سیستمز اینترنشنال اینکورپوریتد ("سی‌اس‌سی‌آی") و ایزایران ("قرارداد ۱۹۷۵") امضاء گردید. در قراردادها مقرر شده بود که سی‌اس‌سی یا سی‌اس‌سی‌آی "کمک فنی" یا "دانش تخصصی" در قلمرو عمومی علوم کامپیوتری" ارائه نماید. دانش و مهارت و کمک مورد اشاره عبارت از خدماتی

بود نظیر مهندسی سیستم‌های کامپیوتری ، برنامه‌نویسی و مدیریت تاسیسات کامپیوتری ، آموزش پرسنل ایرانی و خدمات پشتیبانی مشابه جهت توسعه سیستمهای اطلاعاتی برای مدیریت نظامی. در هر یک از این قراردادها به ضامی اشاره شده بود که در همان وقت یا بعداً " امضاء گردیده بود. در ضامیم فوق سازمانهای ایرانی که قرار بود از آن خدمات منتفع شوند ، کارمندان مورد نیاز ، مدت اجرای قرارداد ، قیمت قابل پرداخت و سایر جزئیات تعهدات طرفین ، تشریح شده بود. راجع به این موضوع اختلافی نیست که در مارس ۱۹۷۵ ، حقوق و تعهدات صنایع هواپیمائی طبق قرارداد ۱۹۷۲ به ایز ایران منتقل شد و نیز اینکه اجرای قراردادهای توسط سی اس سی عموماً " از طریق سی اس سی اس آی صورت می‌گرفت. علاوه بر این ، طرفین قبول دارند که ماهیت روابط آنان از مارس ۱۹۷۷ تغییر یافت و ایز ایران خواستار مسئولیت بیشتری جهت مدیریت و کنترل پروژه‌های مختلف ، و نیز تغییرات دیگر ، گردید. همچنین بر سر این موضوع نیز اختلافی نیست که هر سه قرارداد در فوریه ۱۹۷۹ خاتمه یافت. سی اس سی اس آی ، طی نامه مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ (۱۴ بهمن ۱۳۵۷) خود از ایز ایران درخواست کرد که به علت اوضاع سیاسی ایران و وضع مالی ایز ایران ، سی اس سی اس آی ، "موقتاً" از تعهدات قراردادی خود ، بدون پرداخت جریمه ، آزاد شود". ایز ایران ، طی نامه مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۷۹ (پنجم اسفندماه ۱۳۵۷) اعلام کرد که "مایل است به کلیه قراردادهای فیما بین شرکت ایز ایران و سی اس سی اس آی ، از اول فوریه ۱۹۷۹ (۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷) برای همیشه خاتمه دهد".

خواهان در دادخواست و لوائح بعدی خود ، مبلغ ۱۵،۹۰۰،۱۰۷ دلار بابت خدماتی که از اول اوت ۱۹۷۴ تا ۱۹ فوریه ۱۹۷۹ (۱۰ مردادماه ۱۳۵۳ الی ۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۷) ارائه نموده بود ، از ایز ایران مطالبه کرده است. نامبرده تصدیق می‌کند

که در دوم ژوئیه ۱۹۷۸ (۱۱ تیرماه ۱۳۵۷) سی اس سی آی و ایز ایران موافقت نامه حل و فصلی راجع به مبالغ لازم التادیه از آغاز روابط خواهان با ایز ایران تا ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) منعقد ساختند. معذک، خواهان ادعا کرد که این موافقت نامه بدلیل ادعای ایز ایران در رعایت شرایط آن لغو گردیده و دیگر واجد اعتبار نیست. ایز ایران اظهار داشت که موافقت نامه حل و فصل هنوز نسبت به طرفین الزام آور است و تنها مبنای ادعای احتمالی سی اس سی می تواند این موافقت نامه باشد.

دیوان طی قرار اعدادی شماره ۱ - ۶۵ - ۴۹ خود که در ۱۸ آوریل ۱۹۸۵ (۲۹ فروردین ماه ۱۳۶۴) به ثبت رسید، نظر داد که موافقت نامه حل و فصل جایگزین سه قرارداد اصلی شده و هنگام انعقاد، الزام آور بوده و کماکان نیز نسبت به خواهان و ایز ایران الزام آور است. دیوان مقرر نمود که رسیدگی به پرونده براساس موافقت نامه حل و فصل، و نه براساس قراردادهای اصلی جایگزین شده، ادامه خواهد یافت.

بالتجیه، ادعای خواهان به شرح زیراند: "اولاً"، خواهان دیگر ادعای خود بابت حق الزحمه خدمات ارائه شده قبل از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) رابر مبنای قراردادهای اصلی استوار ساخته، بلکه به جای آن خواستار خسارت بابت نقض موافقت نامه حل و فصل سال ۱۹۷۸ می باشد. نامبرده مدعی است که ایز ایران از پرداخت پنج فقره از شش فقره مبلغ لازم التادیه طبق موافقت نامه، خودداری کرده و خواهان مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ دلار بابت ارزش اقساط پرداخت نشده مطالبه می کند.

ثانیاً"، خواهان مبلغ ۳,۹۲۱,۲۴۰ دلار بابت خدمات ارائه شده پس از ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) خواستار است. خواهان این ادعا را رابر

دو فرضیه مبتنی می سازد: یکی نقض قرارداد و دیگری ، اجرت المثل و دارا شدن بلاجهت که فرضیه اخیر را خواهان بصورت تخییری مطرح می کند .

ثالثا " ، خواهان طالب هزینه های فسخ به صورت هزینه بازخرید خدمت کارکنان ما مورازطرف خواهان در طرح های ایز ایران ، و هزینه های مراجعت کارکنان خارجی و خاتمه دادن به خدمت کارکنان محلی اش ، می باشد . این ادعا به ۴۵۹،۷۷۵ دلار بالغ می شود .

رابعا " ، خواهان ادعا می کند که صنایع هواپیمائی ملزم است مالیات بردرآمد مکتسبه در سالهای مالی ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ را که خواهان اضافه برمبالغ کسرشده توسط صنایع هواپیمائی پرداخته ، مسترد نماید . علاوه براین ، خواهان مدعی است که ایزایران ملزم است مالیات بردرآمد مکتسبه وی در سالهای مالی ۱۹۷۵ الی ۱۹۷۸ را که اضافه بر مبلغی که طبق توافق ادعائی طرفین ، سی اس سی اس آی می بایست بموجب قراردادهای ۱۹۷۲ ، ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ بپردازد ، به خواهان مسترد نماید . طبق اظهار خواهان در هر یک از آن قراردادهای قید شده است که مازاد آن مبالغ به وی مسترد خواهد شد . نامبرده استدلال می کند که از این ادعاهای مربوط به مالیات اضافی که جمع آن ۱،۹۶۳،۱۱۸ دلار است ، در موافقت نامه حل و فصل ۱۹۷۸ صرف نظر نشده است .

خامسا " ، خواهان موجودی هفت فقره حساب بانکی ریالی و دلاری خود در بانک تجارت و بانک ملت را که به نام تعدادی از شرکتهای فرعی خواهان نگهداری می شده ، مطالبه می کند . خواهان می گوید که بانکها از پرداخت این مبالغ به دلیل آنکه محدودیتهای ارزی دولت ایران پرداخت آنها را ممنوع کرده ، خودداری نموده اند . خواهان استدلال می کند که محدودیتهای ارزی خلاف مفاد موافقت نامه صندوق بین المللی پول (" موافقت نامه آی ام اف ") و عهدنامه

مودت ، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی فیما بین ایران و ایالات متحده ("عهدنامه مودت") است . نامبرده مدعی است که یا دولت ایران مسئول ضبط غیرقانونی وجوه است و یا بانکها بابت ضبط من غیرحق آن وجوه مسئول هستند . مبلغ مورد ادعا ۲۱۹،۶۷۸ دلار است .

سادسا ، خواهان بابتا شانه و تجهیزات اداری که حسب ادعا توسط نمایندگان کمیته انقلاب در حدود اول آوریل ۱۹۷۹ (۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸) صادره شده ، مطالبه غرامت می کند . نامبرده خواستار ارزش خالص دفتری وسایل یادشده است که مدعی است به ۲۴،۳۹۷ دلار بالغ می شود .

خواهان جمعا " ۱۱،۵۸۸،۲۰۸ دلار بعنوان خسارت بابت این شش فقره ادعا مطالبه می کند . علاوه برآن ، نامبرده خواستار بهره به مبلغ ۱۰،۵۷۰،۲۴۹ دلار از تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۸۵ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴) به نرخ ممتاز معمول ماهانه ، و هزینه های داوری ، جمعا " به مبلغ ۳۶۱،۶۳۵ دلار می باشد . وی همچنین خواستار صدور حکم اعلامی است مبنی بر اینکه سی اس سی و سی اس سی اس آی راجع به هرگونه مالیات متعلقه دولت ایران بابت درآمدهای مکتسبه در سالهای مالی ۱۹۷۵ الی ۱۹۷۸ و مبالغ پرداختی به موجب این حکم بری الذمه بوده و نیز اینکه صنایع هواپیمائی مسئول جبران خسارت خواهان بابت هرگونه تعهد مالیاتی نسبت به مبالغ مورد حکم علیه نامبرده می باشد . خواهان می گوید ، در صورتیکه کلیه مبالغ مورد ادعا در فوق به نفع وی حکم داده شود ، باید مبلغ ۲۳۸،۸۲۰ دلار از ادعای وی کاسته شود . این مبلغ بابت مالیاتهای متعلقه دولت ایران نسبت به مبالغ مورد حکم است که خواهان قبول دارد طبق مفاد موافقت نامه ها باید آنرا بپردازد .

خوانندگان تعدادی ایراد صلاحیتی مطرح ساخته اند . ادعا شده است که خواهان تابعیت آمریکائی خود را اثبات نکرده و سی اس سی نمی تواند بسمت موجب بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی " ادعاهای غیرمستقیمی " از جانب

شرکتهای فرعی خود مطرح نماید .

ایز ایران ، همچنین منکر آنست که طبق ادعای خواهان یک "واحد تحت کنترل دولت ایران" در مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی است . دولت ایران اظهار می‌دارد که چون رابطه قراردادی یا حقوقی با خواهان ندارد ، هیچ ادعائی متوجه او نیست . همین مطلب توسط جانشینان واحدهای زیرک از آنها نیز بعنوان خواننده نام برده شده ، عنوان شده است : نیروی زمینی شاهنشاهی ایران ، نیروی دریائی شاهنشاهی ایران ، ژاندارمری کل کشور ایران و شهربانی کل کشور ایران . سه خواننده دیگر ، یعنی وزارت دفاع ملی ، جانشین نیروی هوائی شاهنشاهی و جانشین ستاد بزرگ ارتشتاران ، لوائح دفاعیه‌ای به ثبت رساندند .

ایراد دیگری که توسط تعدادی از خوانندگان مطرح شده و خواهان آنرا نمی‌پذیرد اینست که قیود مندرج در سه قرارداد اصلی که متضمن انتخاب قانون حاکم و مرجع رسیدگی به اختلافات است ، ادعاها را از قلمرو صلاحیت دیوان خارج می‌سازد .

خوانندگان تعدادی ادعای متقابل مطرح می‌کنند . ایز ایران در بادی امر ، به عنوان بخشی از دفاع در برابر ادعا ، اظهار داشت که در طول عمر سه قرارداد اصلی ، کلاً مبلغ ۲۷،۷۷۱،۱۲۸ دلار به خواهان اضافه پرداخت کرده است . نامبرده تصدیق می‌کند که از تقاضای استرداد این مبلغ ، به موجب شروط موافقت نامه حل و فصل که خواهان را از ادعاهای ناشی از خدمات ارائه شده پیش از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) معاف و مبری می‌ساخت ، ممنوع شده است . در جلسه رسیدگی مقدماتی پرونده ، نماینده ایز ایران اظهار داشت که ایز ایران فقط در صورتی خواستار استرداد این مبلغ است که موافقت نامه حل و فصل معتبر شناخته نشود . دیوان داوری ، طی دستور مورخ ۳۰ ژانویه

۱۹۸۴ (۱۰ بهمن ماه ۱۳۶۲) خود این مطلب را بعنوان اصلاحیه ادعاهای متقابل پذیرفت . با وجود این ، گرچه در قرار اعدادی اعلام شده بود که موافقت نامه حل و فصل معتبر است ، ایز ایران در جلسه استماع محدوداً " ادعای متقابل مربوط به استرداد مبلغ ۲۷،۷۷۱،۱۲۸ دلار را مطرح کرد .

صنایع هواپیمائی مبلغ ۴،۶۰۰،۰۰۰ دلار به اضافه بهره متعلقه بابت خساراتی که حساب ادعا ، به علت نواقص و غیرقابل قبول بودن خدمات قراردادی خواهان متحمل شده ، مطالبه می کند .

وزارت دارائی جمهوری اسلامی ایران مبلغ ۱،۱۸۰،۴۲۱،۹۷۲ ریال بابت مالیات بردرآمد پرداخت نشده ادعائی ، به اضافه "جرائم عدم پرداخت" مالیات مطالبه می کند . ایز ایران طالب پرداخت حقی بیمه اجتماعی به مبلغ ۱،۳۲۴،۲۱۵،۶۵۳ ریال به اضافه جرایم دیرکرد است .

کلیه خوانندگان هزینه های داوری را مطالبه می کنند .

اظهارات و استدلالات طرفین راجع به ماهیت هر یک از ادعاها و ادعاهای متقابل ، ذیلاً" به تفصیل بیشتری در قسمتهای ذیربط بخش سوم حکم حاضر ، بیان شده است .

سوم - دلایل حکم

۱ - ادعاها

الف) صلاحیت

دیوان در وهله اول به موضوعات مختلف صلاحیتی که در رابطه با ادعاها

مطرح گردیده ، می پردازد.

الف الف (قیود انتخاب دادگاه

در رابطه با قرارداد ۱۹۷۲ ، صنایع هواپیمائی اظهار می‌دارد که چون قرارداد در ایران امضاء شده بنابراین قوانین ایران حاکم بر آنست ، که طبق آن کلیه اختلافات باید به وسیله داوری یا طرح دعوی در محاکم ایران ، حل و فصل شوند . خواهان براین اظهار ایراد گرفته و استدلال می‌کند که متن صریح قرارداد دلالت بر خلاف آن دارد . دو قید ذیربط قرارداد ۱۹۷۲ به شرح زیراند :

ماده ۱۷ - قانون حاکم

حقوق و تکالیف طرفین در این قرارداد ، صرفنظر از اینکه هرگونه اقدام قانونی یا دعوائی در رابطه با این قرارداد ، در چه محلی آغاز شود ، از هر نظر تابع قوانین ایالات کالیفرنیا در ایالات متحده آمریکا بوده و طبق آن تعبیر و تفسیر خواهد شد .

ماده ۱۸ - داوری

هرگونه اختلاف یا ادعای ناشی از قرارداد ، یا مرتبط با آن ، یا نقض آن ، بوسیله داوری در شهر لوس آنجلس ، کالیفرنیا ، ایالات متحده آمریکا ، بر طبق آئین رسیدگی مقررتوسط انجمن داوری آمریکا مورد رسیدگی واقع خواهد شد و حکم صادره توسط داوران می‌تواند توسط هر دادگاه ذیصلاحی به ثبت رسد .

(مرکز اصلی تجارت سی اس سی در کالیفرنیا است) . طبق بند ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی ، صلاحیت دیوان شامل ادعاهای "ناشی

از قراردادهای تعهدآور فیما بین که در آن قراردادها رسیدگی به دعاوی مربوط مشخصاً " در صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران ، با توجه به نظر مجلس باشد " ، نمی شود . از متن دو قید قراردادی نقل شده روشن است که قرارداد متضمن اعمال قوانین ایران یا ارجاع اختلافات قراردادی به دادگاههای ایران نیست . لذا ، صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای ناشی از قرارداد ۱۹۷۲ ، مستثنی نشده است .

قراردادهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ حاوی قیود عملاً " مشابهی راجع به قانون حاکم و حل اختلافات است ، که به گفته ایزایران صلاحیت رسیدگی به هرگونه اختلاف قراردادی را به دادگاههای ایران تفویض کرده است . دولت ایران همین مطلب را در رابطه با قرارداد ۱۹۷۴ ، که قیود ذیربط آن به شرح زیر است ، عنوان کرده است :

ماده ۱۵ - قانون حاکم

حقوق و تکالیف طرفین بموجب این قرارداد ، صرفنظر از اینکه هرگونه اقدام قانونی یا دعوائی در رابطه با این قرارداد در چه محلی آغاز شود ، از هر نظر تابع قوانین ایران بوده و طبق آن تعبیر و تفسیر خواهد شد .

ماده ۱۶ - داوری

هرگونه اختلاف یا ادعای ناشی از این قرارداد ، یا مرتبط با آن ، یا نقض آن ، بوسیله داوری در ایران مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت ، و حکم صادره توسط داوران می تواند در هر دادگاه ذیصلاحی به ثبت رسد .

این دو قید ، صلاحیت را از دیوان سلب نمی کنند . دیوان داوری قبلاً " نظر داده است که داوری اساساً " یک شق اختیاری در برابر تعقیب قضائی

است و قید قراردادی رجوع به داوری در ایران ، متضمن "صلاحیت انحصاری" دادگاههای ایران نیست . رجوع شود به : گیبس اندهیل اینکورپوریتد و شرکت تولید و انتقال نیروی ایران ، قرار اعدادی شماره ۶ - ۱ دیوان عمومی (قسمت سوم) ، ص ۶ (انگلیسی) (۵ نوامبر ۱۴/۱۹۸۲ آبانماه ۱۳۶۱) ، reprinted in Iran-U.S. C.T.R. 236,240 ، قید مربوط به انتخاب قانون ایران ، حتی اگر بایک چنین قید حل اختلاف توأم گردد ، باز ادعاهای ناشی از قرارداد مربوط را از حیطه صلاحیت دیوان خارج نمی سازد .

ب ب (تابعیت آمریکائی خواهان)

باتوجه به ادله و مدارک تسلیمی خواهان که شرایط مقرر توسط دیوان در دستور مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۲ (۲۹ آذرماه ۱۳۶۱) صادره در پرونده فلکسی - وان لیسینگ اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران ، پرونده شماره ۳۶ ، شعبه یک reprinted in 1 Iran-U.S. C.T.R. 455 راجع به اثبات تابعیت شرکت را احراز کرده ، دیوان داوری متقاعد شده است که خواهان تبعه ایالات متحده در مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی است .

ج ج (طرح دعاوی به صورت ادعاهای غیرمستقیم)

خواهان تعدادی ادعای غیرمستقیم از طریق مالکیت و کنترل ادعائی سه شرکت از شرکتهای فرعی خویش ، مطرح ساخته است .
در رابطه با ادعاهای مربوط به سی اس سی اس آی ، اختلافی نیست

که سی اس سی اس آی یک شرکت پانامائی است. معذک، ایز ایران استدلال می‌کند که اولاً خواهان ثابت نکرده که سی اس سی اس آی یک شرکت فرعی تماماً "متعلق به سی اس سی است، و ثانياً"، بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی "نمی‌تواند جهت طرح ادعاهای متعلق به ... اتباع غیرآمریکائی، مورد استناد واقع شود". علاوه براین، این مساله که آیا می‌توان ادعای غیرمستقیمی را از جانب یک شرکت خارجی (در دیوان) طرح کرد یا خیر، در پرونده شماره الف/۲۲ دیوان عمومی مطرح است. دولت جمهوری اسلامی ایران تقاضا نموده که دیوان رسیدگی به کلیه پرونده‌هایی را که موضوع صلاحیتی فوق در آن مطرح است، تا اتخاذ تصمیم راجع به پرونده الف/۲۲ به تعویق اندازد. تعداد کثیری پرونده در دیوان مطرح است که متضمن ادعاهای غیرمستقیم است. همانطور که قبلاً در پرونده فیوتورا تریدینگ اینکورپوریتد و سازمان آب و برق خوزستان، حکم شماره ۳ - ۳۲۵ - ۱۸۷، ص ۸ (۱۹ اوت ۲۸/۱۹۸۵ مردادماه ۱۳۶۴)، در رابطه با درخواست مشابهی مبنی بر رسیدگی به تابعیت شرکت اعلام شده، "تعلیق تصمیمات مربوط به صلاحیت" با توجه به اینکه این موضوعات به کرات مطرح می‌شوند، "کار دیوان را به مدت نامعلومی دچار وقفه خواهد کرد". به دلایل مذکور، شعب دیوان پیوسته رای به قابل طرح بودن ادعاهای غیرمستقیم داده‌اند، و لذا درخواست تعویق رد می‌شود.

بند ۲ ماده هفت در مورد دعاوی زیر قائل به صلاحیت شده است:

"ادعاهائی که بطور مستقیم، از طریق مالکیت سرمایه‌ویا سایر علایق مالی، در مورد اشخاص حقوقی، در مالکیت این اشخاص بوده‌اند، مشروط بر اینکه علایق مالکیت چنین اتباعی مجتمعا" در زمان اقامه ادعا برای کنترل شرکت یا شخص حقوقی دیگر در حد لازم بوده و علاوه بر آن مشروط بر آنکه شرکت یا شخص حقوقی در چارچوب این بیانیه حق اقامه دعوی نداشته باشد".

هیچ نکته‌ای در این متن نیست که طرح ادعاهای غیرمستقیم از جانب اتباع غیرآمریکائی را ممنوع سازد ، و یا به طور ضمنی دلالت بر چنین محدودیتی نماید . بعلاوه ، دیوان در تعدادی از پرونده‌ها نظر داده است که اتباع ایالات متحده حق طرح این قبیل دعاوی را از جانب شرکتهای خارجی تابعه خود دارند . برای مثال ، رجوع شوبیه : شرینگ کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران ، حکم شماره ۳ - ۲۸ - ۱۲۲ ، ص ۸ (انگلیسی) (۱۶ آوریل ۱۹۸۴ / ۲۷ فروردین ماه ۱۳۶۳) reprinted in 5 Iran - U.S. C.T.R. 361, 365.

کلمین فودز اینکورپوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین ، حکم شماره ۳ - ۳۴۰ - ۱۳۳ ، ص ۹ (انگلیسی) (۱۱ ژوئن ۱۹۸۴ / ۲۱ خرداد ۱۳۶۳) ، هارنیشگر کورپوریشن و وزارت راه و ترابری ، حکم شماره ۳ - ۱۸۰ - ۱۴۴ ، ص ۱۲ (انگلیسی) (۱۳ ژوئیه ۱۹۸۴ / ۲۲ تیرماه ۱۳۶۳) آر. ج . رینولدز توباکو کامپنی و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین ، حکم شماره ۳ - ۳۵ - ۱۴۵ ، صفحات ۹ - ۸ (انگلیسی) (۶ اوت ۱۹۸۴ / ۱۵ مردادماه ۱۳۶۳) . خواهان ادله و مدارک مستندی تسلیم نموده که ثابت می‌کند سی اس سی اس آی در کلیه مواقع ذیربط یک شرکت فرعی تماما " متعلق به سی اس سی بوده است . در سال ۱۹۷۴ ، شرکت مزبور اسم قبلی خود، یعنی نیو سی اس سی کورپوریشن را به سی اس سی اس آی تغییر داد و تحت این نام در تاریخ ۷ اکتبر ۱۹۸۴ (۱۵ مهرماه ۱۳۵۳) به منظور تجارت در ایران به ثبت رسید. از آنجا که سی اس سی اس آی خود حق اقامه ادعا طبق بیانیه حل و فصل دعاوی را ندارد ، ادعاهای خواهان از جانب سی اس سی اس آی ، شرایط بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی راجع به ادعاهای غیر مستقیم اتباع ایالات متحده را ، احراز کرده است . خواهان ادعای اولیه خود

مبنی بر استناد به انتقال دعاوی سی اس سی آی به وی را ، پس گرفته است .

خواهان بابت موجودی حسابهای بانکی خود نزد بانک ملت به نام کامپیوتر کانسالتنتر ایران ("سی اس آی") که شرکت سهامی خاصی است که طبق قوانین ایران تاسیس یافته ، ادعای غیرمستقیمی را مطرح ساخته است . سی سی آی در کلیه مواقع ذیربط تماما " متعلق به کامپیوترساینسز سیستمز گام بها بوده که یک شرکت آلمانی است که بنوبه خود ، شرکت فرعی تماما " متعلق به سی اس سی بوده است . راجع به این که بانک ملت مشمول تعریف بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی واقع می شود اختلافی نیست . معذک ، موضوع صلاحیتی مطروح در این ادعا که دیوان در پرونده های قبلی مورد رسیدگی قرار نداده ، اینست که آیا خواهان آمریکائی حق دارد از جانب شرکت فرعی خود ، که نه فقط یک شرکت خارجی ، بلکه شرکتی است که در ایران نیز به ثبت رسیده ، ادعای غیرمستقیمی را مطرح سازد یا خیر ؟ مقایسه شود با شرینگ کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران ، حکم شماره ۳ - ۲۸ - ۱۲۲ ، ص ۹ (انگلیسی) (۱۶ آوریل ۲۷/۱۹۸۴ فروردین ماه ۱۳۶۳) (که در آن ، موضوع همچنان مفتوح باقی گذاشته شده است) reprinted in 5 Iran-U.S. C.T.R. 361, 365.

گرچه بانک ملت ، که ادعای مربوط به سی سی آی علیه وی مطرح شده ، در دفاعیه خود ، مشخصا " به این واقعیت نپرداخته که سی سی آی یک شرکت ایرانی است ، با اینحال مدعی است که خواهان "فاقد اهلیت جهت طرح چنین ادعائی " است ، زیرا که دلیلی راجع به اینکه "قائم مقام" سی سی آی و سایر شرکتهای تابعه آن است ، ارائه نکرده است . علاوه

بر این ، در پرونده شماره الف / ۲۲ ، دولت ایران این سؤال را مطرح کرده که آیا ادعای غیرمستقیم از جانب یک شرکت ایرانی قابل طرح است یا خیر؟ به هرتقدیر ، از آنجا که دیوان باید نسبت به صلاحیت خود اطمینان حاصل کند ، لذا باید راساً " proprio motu " راجع به قابلیت طرح ادعا تصمیم گیرد .

متن صریح بند ۲ ماده هفت راجع به اینکه چه ادعائی از نظر صلاحیت دیوان ادعاهای غیرمستقیم محسوب می شود ، دو شرط قائل شده است . اولاً ، باید "علائق مالکیت " برای کنترل شرکت یا شخص حقوقی دیگر در زمان بوجود آمدن ادعا در حد لازم بوده باشد ، و ثانیاً " شخص حقوقی مورد بحث خود حق اقامه دعوی نداشته باشد . هیچ شرطی وجود ندارد که شخص حقوقی باید تبعه ایالات متحده باشد و در واقع ، بیانیه از این نظر بین اشخاص حقوقی ایرانی و سایر ملیت ها هیچگونه وجه تمایزی قائل نشده است . صرف نظر از اینکه موضع اصول کلی حقوق بین الملل در این مورد چیست ، مقید به شرایط صریح سنسیدی است که حاکم بر کار اوست . این تفسیری است که دیوان تاکنون در کار داوری خود ، پیوسته اعمال کرده است . (رجوع شود به : نمونه های فوق الذکر راجع به ادعاهای غیرمستقیمی که یک طرف آن شرکت آمریکائی بوده و در دیوان پذیرفته شده اند) . علاوه بر این ، از رای صادره در پرونده ویلیام بیکوف و سایرین و جمهوری اسلامی ایران ، حکم شماره ۲ - ۸۲ - ۱۳۸ (۲۹ ژوئن ۸/۱۹۸۴ تیرماه ۱۳۶۳) روشن است که دیوان آماده بوده که نسبت به ادعای متعلق به یک شرکت ایرانی احراز صلاحیت کند ، لیکن صرفاً "به این دلیل که کافی بودن میزان کنترل محرز نشد ، دیوان نیز احراز صلاحیت نکرد (۱) لذا دیوان نتیجه می گیرد که نسبت به ادعا صلاحیت رسیدگی دارد .

(۱) در حکم صادره در پرونده بیکوف دیوان نظر داد : "سوی مساله کنترل زرشوران توسط خواهانها ، هیچگونه مساله جدی در مورد صلاحیت در پرونده حاضر وجود ندارد" . ص ۶

با توجه به نتیجه‌گیری دیوان در مورد صلاحیت نسبت به ادعاهای حسابهای بانکی ریالی (رجوع شود به قسمت سوم (۱) ب) ه ه (زیر) ، دیوان دیگر نیازی نمی‌بیند که راجع به وضعیت سیستمز ساینسز ایران ("اس اس آی") ، یعنی شرکت ایرانی دیگری که به عنوان صاحب یکی از این حسابهای ریالی از او نام برده شده، تصمیم گیرد.

د د) ایز ایران به عنوان واحد تحت کنترل

در رابطه با استدلال ایزایران مبنی بر اینکه وی خواننده واقعی نیست زیرا که واحد تحت کنترل در مفهوم بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی نمی‌باشد ، متذکر می‌گردد که دیوان داوری قبلاً " نظر داده است که ایز ایران واحد تحت کنترل دولت ایران است . رجوع شود به : آلترا سیستمز اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران و سایرین ، حکم جزئی شماره ۳ - ۸۴ - ۲۷ ، صفحات ۹ - ۸ (انگلیسی) (۴ مارس ۱۹۸۳ / ۱۳ اسفندماه ۱۳۶۲) . reprinted in 2 Iran- U.S. C.T.R. 100, 105 . ادله و مدارک مستندی که در این پرونده ارائه شده موبداین نتیجه‌گیری است که ادعاهای مطروح علیه ایزایران در حیطه صلاحیت دیوان قرار دارد .

ب - ماهیت دعوی

دیوان اکنون به ماهیت ادعاهای سی اس سی می پردازد .

الف الف (نقض موافقت نامه حل و فصل ۱۹۷۸

همانطور که در بالا اشاره شد ، در تاریخ دوم ژوئیه ۱۹۷۸ (۱۱ تیرماه ۱۳۵۷) سی اس سی آی و ایزایران موافقت نامه حل و فصلی راجع به مبالغی که تا تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) بابت قراردادهای اصلی تسویه نشده بود، منعقد ساختند. دیوان قرار اعدادی شماره ۱ - ۶۵ - ۴۹ نظر داد که موافقت نامه حل و فصل نسبت به خواهان و ایزایران تعهد آور بوده و مقرر نمود که رسیدگی به پرونده باید براساس موافقت نامه حل و فصل و نه قراردادهای اصلی جایگزین شده ، ادامه یابد.

خواهان اظهار می‌دارد که ایزایران با عدم پرداخت پنج قسط از شش قسطی که طبق موافقت نامه لازم‌التادیه بوده ، موافقت نامه حل و فصل را نقض کرده است . نامبرده بابت نقض موافقت نامه ، خساراتی به مبلغ ۵،۰۰۰،۰۰۰ دلار که حسب ادعای وی هنوز طبق موافقت نامه لازم‌التادیه است مطالبه می‌کند. اختلافی در این مورد بین طرفین نیست که ایزایران پس از آنکه اولیه ۱،۴۶۰،۰۰۰ دلار را در ژوئیه ۱۹۷۸، تا ۶ دیه نمود، از پرداخت بقیه اقساط که طبق موافقت نامه حل و فصل ملزم به پرداخت آن بود، خودداری کرد. دیوان داوری در قرار اعدادی صادره خود نظر داد که این "نقض آشکار موافقت نامه حل و فصل (۰۰۰) خواهان را مستحق کلیه خساراتی می‌سازد که قانون حاکم بر موافقت نامه و نقض آن، برای چنین نقضی مقرر داشته است". ایزایران در جلسه استماع پرونده و در لوائح تسلیمی خویش در رابطه با استماع ادعا کرد که از پرداخت اقساط بعدی، به عنوان تضمین تعهدات ادعائی مالیاتی و حقوق بیمه اجتماعی خواهان، خودداری شده است. این اظهار خوانده مغایر مطلبی است که ایزایران

در لوایح کتبی قبلی خود پذیرفته ، بدین معنی که نامبرده مانده پرداخت نشده مبلغ موافقت نامه حل و فصل را (منهای ۵/۵ درصد ، که به گفته وی کسر آن طبق قوانین ایران الزامی است) به خواهان بدهکار است . ایز ایران همچنین در اوت ۱۹۷۸ و یا بعد از آن و فی الواقع تا قبل از ارائه لوایح اخیر خود هیچگونه مطلبی در این خصوص عنوان نکرده بود که بدان سبب از پرداخت اقساط موضوع موافقت نامه خودداری می کند که خواهان را وادار به بازپرداخت مالیاتها نماید . اظهار بعدی ایز ایران مبنی بر اینکه انسداد اندوخته های ارزی ایران بدنبال پیروزی انقلاب اسلامی نیز ویرا از انجام تعهدات موضوع موافقت نامه حل و فصل بازداشته مغایر با شرایط آن موافقت نامه است که طبق آن ایز ایران متعهد گردید پنج قسط ماهانه باقیمانده را از اوت تا دسامبر ۱۹۷۸ ، یعنی پیش از پیروزی انقلاب در فوریه ۱۹۷۹ بپردازد . بنابراین ، دیوان داوری نتیجه می گیرد که ایز ایران با عدم پرداخت اقساط مورد لزوم موافقت نامه را نقض کرده و متعهد است ۵،۰۰۰،۰۰۰ دلار مانده پرداخت نشده را به خواهان بپردازد .

اظهار دیگر ایز ایران مبنی بر اینکه ماده ۷۶ قانون مالیاتهای مستقیم ایران مقرر می دارد که نامبرده ۵/۵ درصد از کلیه مبالغی که به خواهان می پردازد کسر کند و لذا مبلغ ۳۵۵،۴۰۰ دلار بایداز ۵،۰۰۰،۰۰۰ دلار مانده کسر شود ، قابل تائید نیست (در محاسبه این رقم ، ایز ایران ۵/۵ درصد هم از ۵،۰۰۰،۰۰۰ دلار مانده پرداخت نشده ، و هم از ۱،۴۶۰،۰۰۰ دلار قسط اولی که در ۱۹۷۸ پرداخته ، کسر کرده است . اینکه کسر چنین مبلغی طبق قوانین ایران واقعا "الزامی

است با خیر، مطلبی است که می‌توان در اینجا مفتوحاً قی‌گذار رد. اولاً "در موافقت نامه حل و فصل قیید شده که ایزایران "مبلغ ۶،۴۶۰،۰۰۰ دلار به سی اس سی اس آی پرداخت خواهد کرد" که این رقم شامل ۵،۰۰۰،۰۰۰ دلار مانده به اضافه اولین قسط پرداخت شده توسط ایزایران است. هیچ‌یک از کسری از کاهش مبلغی بابت مالیات نشده است. از سوی دیگر، در قرارداد ۱۹۷۲، مالیات‌هایی که می‌بایست از پرداختها کسر شود، مشخصاً "ذکر شده بود. نمی‌توان گفت که طرفین راجع به این مساله فکر نکرده‌اند، زیرا در موافقت نامه حل و فصل به ادعای جداگانه‌ای جهت "بازپرداخت بدهی مالیات‌های ایران" بابت خدمات موضوع موافقت نامه اشاره شده است. این ادعا به طور جداگانه در جریان حل و فصل بود. ثانیاً "شخصی که از جانب ایزایران در مورد موافقت نامه حل و فصل مذاکره کرده بود سوگندنامه‌ای ارائه نموده، و در جلسه استماع نیز حاضر شده و اظهار داشته است که هرگز قصد طرفین این نبود که مالیاتی از مبلغ حل و فصل کسر شود. به عکس، قصد این بود که مبلغ مزبور خالص بوده، مالیاتی از آن کسر نشود. ثالثاً، موید شهادت مزبور نحوه عمل ایزایران است. ایزایران اولین قسط را در سال ۱۹۷۸ بدون اینکه مبلغی بابت مالیات از آن کسر شود، پرداخت کرد و کلاً "به نظر می‌رسد که این قبیل مبالغ را، فقط در مسواری که مشخصاً "در قرارداد مربوط تصریح شده بوده، کسر می‌کرده است. این نحوه عمل، نسبت به اظهارات اخیر ایزایران مبنی بر اینکه طرفین قصد کسر مالیات‌ها را داشته‌اند، ایجاد شک و تردید می‌کند. مقایسه شود با: اینترنت اینترنشنال اینکورپوریتد و نیروی هوایی شاهنشاهی و سایرین، حکم شماره

۲ - ۲۲۰ - ۵۹، ص ۱۰ (۲۷ ژوئیه ۵/۱۹۸۳ مردادماه ۱۳۶۲)

reprinted in 3 Iran - U.S. C.T.R. 110, 115.

"روشن‌نیروی هوایی در عدم کسر مالیات از مبالغ پرداختی به دلار آمریکا"

و عدم مطالبه مالیات مزبور پیش از طرح ادعای متقابل حاضر ، نسبت به ادعای مورد بحث نیروی هوایی مبنی بر اینکه مبالغ پرداختی به دلار آمریکا مشمول مالیات می شود ، ایجاد شک و تردید می کند" .

ب ب) خدمات ارائه شده پس از ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷)

موافقت نامه حل و فصل سال ۱۹۷۸ ، فقط در مواردی جایگزین ادعاها می شود که خواهان بابت صورت حسابها علیه ایزایران مطرح کرده است که خدمات مربوط پیش از ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) صورت گرفته باشد . ماده اول موافقت نامه حل و فصل مقرر می دارد که :

"قصد ایزایران و سی اس سی اس آی از پرداخت مبلغ حل و فصل ، تسویه حساب کامل و نهائی بابت کلیه خدمات انجام شده توسط سی اس سی اس و سی اس سی برای ایزایران و مشتریان ایزایران (۰۰۰) تا تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) می باشد" .

و ماده سوم مقرر می نماید که به محض امضای موافقت نامه ، ایزایران و کارکنان آن

"از هر نوع ادعا و اسباب دعوی ... که پیش از ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) بوجود آمده باشد ، معاف و بری الذمه شناخته می شوند" .

خواهان اظهار می دارد که پس از ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) ، خدماتی را هم بموجب قرارداد ۱۹۷۴ و پیوست الف آن و هم طبق قرارداد ۱۹۷۵ منعقد با ایزایران ، انجام داده است . نامبرده مضافاً می گوید که گرچه مدت اعتبار ضمیمه قرارداد ۱۹۷۵ در ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) منقضی شده بود ، با این حال ایزایران ، بعداً

همچنان به دادن اجازه انجام کار اضافی در مورد پروژه های موضوع این قرارداد ، که نظیر قرارداد ۱۹۷۴ فقط با نامه مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۷۹ (۱۵ اسفندماه ۱۳۵۷) خاتمه یافت ، ادامه داد. خواهان می گوید صورت حساب کلیه حق الزحمه های این خدمات به نحو مقتضی تهیه و اجرای خدمات مورد قبول ایزایران واقع شده است. خواهان با اعمال نرخ ۸،۹۰۰ دلار مورد توافق برای هرنفر - ماه خدمات ارائه شده ، جمعاً " مبلغ ۳،۹۲۱،۲۴۰ دلار ، بابت خدمات ارائه شده پس از ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) از ایزایران مطالبه می کند.

ایزایران استدلال می کند که اولاً ، با توجه به اوضاع سیاسی وقت ، امکان نداشت که هیچگونه خدماتی بوسیله ایزایران اجازه داده شده یا تصویب شده باشد ، و خواهان نیز نمی توانسته پس از مارس ۱۹۷۸ ، از طریق سی اس سی آی چنین خدماتی را برای مشتریان نظامی ایزایران انجام داده باشد. ثانیاً ، ایزایران اظهار می دارد که برخی از خدمات بنحو رضایت بخشی انجام نشد و لذا مورد قبول مشتریان قرار نگرفت و حق الزحمه آن پرداخت نگردید. ایزایران می گوید که طبق قرارداد ۱۹۷۵ ، نامبرده ملزم نبوده در صورتی که مشتریان حق الزحمه سی اس سی آی را نپردازند ، خودوی آنرا بپردازد. بالاخره ایزایران اظهار می دارد که ، طبق ماده ۷۶ قانون مالیات های مستقیم ایران وی مکلف بوده از مبلغ لازم التادیه به خواهان ۵/۵ درصد کسر نموده و بعلاوه هرگونه خسارتی که به نفع خواهان حکم داده شود ، نیز باید به همین میزان کاهش یا بکشد. خواهان دفاعیات ایزایران را فاقد دلیل و غیرمستدل دانسته و اظهار می دارد که وی ادله و مدارکی تسلیم نموده که خلاف آنرا ثابت می کند.

بر مبنای ادله و مدارک تسلیمی ، دیوان داوری متقاعد شده است که خدمات موضوع این قسمت از ادعا که خواهان بابت آن حق لزومه مطالبه می کند در واقع طبق اجازه و دستور ایزایران انجام و ارائه شده است. خواهان مکاتبات مفصل متبادله فیما بین سی اس سی آی و ایزایران را به ثبت رسانده که حاکی است ایزایران مقدار کاری را که می بایست پس از ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) انجام شود ، اجازه و دستور داده بوده است . ایزایران خود در لایحه دفاعیه اش قید کرده که در اغلب موارد در فاصله بین سال ۱۹۷۲ و فوریه ۱۹۷۹ ، خواهان کنترل مستقیم اجرای فنی پروژه و مسئولیت کامل حسن اجرای آن را (بجز در سال ۱۹۷۸ و بخشی از سال ۱۹۷۷ که طی آن خواهان بر اساس نفر- ماه خدماتی برای ایزایران ارائه کرد) برعهده داشته است . هیچکدام از صورتحسابهای ماهانه تسلیمی به ایزایران مورد ایراد واقع نشد و در همان موقع مطالبی راجع به عدم اجرای خدمات مطرح نگردید . ایزایران در نامه مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۷۹ ، به خاطر حسن انجام وظیفه کارکنان سی اس سی آی ، از نامبرده تشکر و اعلام کرد که " مایل است به کلیه قراردادهای فیما بین ایزایران و سی اس سی آی برای همیشه خاتمه دهد". این مطلب نشان می دهد که نظر خود ایزایران این بوده که اجرای قراردادهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ تا فوریه ۱۹۷۹ ، ادامه داشته است . بالاخره ، ایزایران در لایحه دفاعیه خود تصدیق نموده که صرف نظر از ایراداتی که به کیفیت کار انجام شده گرفته ، وی اجرای خدماتی متجاوز از ۲/۶ میلیون دلار (قبل از کسر مالیات) را اجازه ، و سی اس سی آی نیز آن خدمات را انجام داده است .

دیوان داوری همچنین متقاعد شده است که صورتحساب مورد مطالبه به

ترتیب و به‌ترخی که توسط ایزایران تعیین گردیده و مورد قبول سی اس سی اس آی نیز واقع شده ، تهیه شده‌بوده‌است . سوابق پرونده نشان می‌دهد که سی اس سی اس آی هرماه صورتحسابها و خلاصه صورتحسابهای پرداخت نشده را به ایزایران تسلیم می‌کرد. در فوریه ۱۹۷۹ ، ایزایران وصول خلاصه کلیه صورتحسابهای پرداخت نشده پس از ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۹۷۸) را ، که کلاً مبلغ پرداخت نشده‌ای متجاوز از ۳/۹ میلیون دلار را نشان می‌داد ، اعلام داشت . در صورتحسابها به تفکیک ، کارکنان مامور در پروژه‌های مختلف و تاریخها و ساعات کار انجام شده ، و نرخهای بکاررفته ، ذکر گردیده‌است . همانطور که گفته شد ، ایزایران دلیل و مدرکی ارائه ننموده که در آنوقت ، راجع به عدم صحت صورتحسابها به سی اس سی آی اعتراضی کرده باشد. نامبرده ، حتی در جریان رسیدگی حاضر ، هیچ دلیل و مدرک مشروحتی از عدم اجرای تعهد یا اشتباه محاسبه ارائه نکرده‌است و لذا اکنون نمی‌تواند بدون ورود در جزئیات ، ادعا کند که سی اس سی اس آی قرارداد را اجرا نکرده ، و یا ایزایران صورتحساب خدمات انجام شده را تصویب ننموده‌است .

ایزایران همچنین هرگونه تعهدی مبنی بر پرداخت بابت خدمات ارائه شده پس از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) را ، با استناد به بند (د) ماده سه قرارداد ۱۹۷۵ ، انکار می‌کند. در بند مزبور قید شده‌است که :

"تفاهم و توافق براینست که چون خدمات ارائه شده به ایزایران بموجب این قرارداد فرعی مربوط است به قراردادی که ایزایران با مشتری خود دارد ، لذا پرداخت به پیمانکار فرعی بابت این قرارداد تناسب مستقیم با میالغی خواهد داشت که ایزایران از مشتری خود دریافت می‌کند .

ایزایران مدعی است که از مشتریان خود مبلغی دریافت نکرده و لذا هیچگونه وجهی به خواهان بدهکار نیست .

در مورد خدمات ارائه شده طبق قرارداد ۱۹۷۴ به این قید نمی‌توان استناد کرد ، زیرا قرارداد حاوی قید مشابهی نیست . در رابطه با قرارداد ۱۹۷۵ ، خواهان استدلال می‌کند که استناد به بند (د) ماده سه به دلایل زیر بيمورد است : (۱) ایزایران از مشتریان خود واقعا "پول دریافت کرده است ، (۲) ایزایران ثابت نکرده که متناسب با مبلغی که از مشتریان خود دریافت نموده به سی اس سی اس آی پول پرداخت کرده است ، (۳) از آنجا که سی اس سی اس آی فقط براساس نفر - ماه کار ارائه داده ، لذا پرداخت به وی نبایستی منوط به دریافت وجه از مشتریان باشد ، و بالاخره یک موسسه دولتی ایرانی نباید با استناد به اینکه از یک موسسه دولتی دیگر پولی دریافت نشده ، مجاز به فرار از مسئولیت باشد .

استناد ایزایران به بند د ماده سه قابل قبول نیست . اولاً ، طرفین قبول دارند که از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۷۷ (اول فروردین ماه ۱۳۵۶) ماهیست رابطه خود را تغییر دادند . قبلاً " سی اس سی اس آی در طراحی و مدیریت پروژه‌های مختلفی که آنها کار می‌کرد ، از نزدیک مشارکت داشت . نامبرده ظاهراً " مسئول بود پروژه‌ها را پس از تکمیل ، تحویل دهد ، و بعداً " حق الزحمه را از مشتریان دریافت دارد . از مارس ۱۹۷۷ به بعد کنترل و مسئولیت مدیریت به ایزایران منتقل شد و از آن به بعد سی اس سی اس آی فقط مسئول بود که براساس نفر - ماه خدمت ارائه کند . بعلاوه ، موافقت شد که سی اس سی اس آی حق الزحمه خود را بلافاصله ، یعنی ظرف شصت روز پس از تسلیم

صورتحسابها دریافت کند. بدینسان، گرچه بسیاری از شرایط قرارداد ۱۹۷۵، همچنان پس از ۲۱ مارس ۱۹۷۷ (اول فروردین ماه ۱۳۵۶) نیز مورد عمل بود، با اینحال این توافق جدید، جایگزین بند د ماده سه گردید. بنابراین، بند مزبور نسبت به خدماتی که بابت آن اکنون حق الزحمه مطالبه می‌شود، قابل اعمال نبود (توافق ماه مارس ۱۹۷۷، همچنین بازپرداخت مالیات بر درآمد های مکتسبه که قبلاً" در اکثر پروژه‌های اجرا شده طبق قرارداد ۱۹۷۵ در مسئولیت ایز ایران بود، کلاً" برعهده سی اس سی اس آی گذارد. در عوض، نرخ بالاتری بر مبنای نفر-ماه به سی اس سی اس آی داده شد، لیکن سود مورد انتظار وی متناسب با کاهش مسئولیت وی در مورد پروژه‌ها، تقلیل یافت).

به هر تقدیر، حتی اگر بند د ماده سه مجری می‌بود، باز ادله و مدارک تسلیمی خواهان مبین آنست که ایز ایران بطور مرتب از مشتریان نظامی خود پول دریافت می‌کرد. یکی از کارکنان پیشین ایز ایران که از سال ۱۹۷۶ تا فوریه ۱۹۷۹ مسئول مدیریت قراردادهای ایز ایران بوده، در سوگندنامه خود اظهار داشته که مشتریان عمده نظامی، به استثنای وزارت جنگ، بطور مرتب پرداختهائی به ایز ایران انجام می‌دادند. ایز ایران در نامه مورخ ۲۶ آوریل ۱۹۷۸ (۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷) خود، به توش راس اند کامپنی، یعنی حسابرسان سی اس سی اس آی، تأیید نموده که تا ۲۷ ژانویه ۱۹۷۸ (۷ بهمن ماه ۱۳۵۶) حدود ۸۰ درصد میبالغ صورتحسابهائی را که در آن موقع به سی اس سی اس آی بدهکار بوده، از مشتریان خود وصول کرده است. بدینسان، ایز ایران ثابت نکرده که به شرح مقرر در بند د ماده سه متناسباً "پرداختهائی

انجام داده است. بالعکس، مدارک حاکی است که مبالغ دریافتی بابت پروژه‌های خاص به تعهداتی اختصاص داده می‌شد که ربطی به این پروژه‌ها نداشت. ایزایران که خود به مفاد بند د ماده سه عمل نکرده، نمی‌تواند آنرا علیه سی اس سی آی مورد استناد قرار دهد.

آخرین مطلبی که ایزایران عنوان می‌کند اینست که ماده ۷۶ قانون مالیات‌های مستقیم ایران وی را ملزم می‌سازد که ۵/۵ درصد از کلیه وجوهی که به خواهان می‌پردازد کسر نماید و لذا هر مبلغی که بابت خدمات موضوع این بخش از دعوی به نفع خواهان حکم صادر شود باید به همان میزان کاهش داده شود. گرچه می‌توان این مساله را که چنین کاهش واقعی طبق قوانین ایران الزامی است یا خیر، در اینجا مفتوح باقی گذاشت، با اینحال از ماهیت حقوقی چنین کسوری پیداست که دیوان صلاحیت رسیدگی بدان را ندارد، مگر آنکه در خود قرارداد مقرر شده و یا خود طرفین در عمل چنین درصدی را کسر کرده باشند. تقاضای کاهش ۵/۵ درصد از کلیه مبالغ مورد حکم به نفع خواهان، در حکم تهاتر یا ادعای متقابل است و لذا فقط در صورتی می‌تواند مورد رسیدگی قرار گیرد که شرایط صلاحیتی مربوط به ادعاهای متقابل و تهاتر احراز شود. همانطور که با تفصیل بیشتر در قسمت سوم - ۲ - ج) زیر بحث شده، ادعای متقابل تهاتر باید از همان قرارداد، معامله یا رویدادی ناشی شود که اساس ادعا را تشکیل داده است. این شرط در اینجا احراز نشده است.

دیوان داوری در پرونده‌های دیگر، در محاسبه مبالغی که خواهانها بر اساس ادعاهای قراردادی مستحق دریافت آن بودند، کسر مالیات‌هایی را که در یک "شرط قراردادی تصریح شده بوده، منظور کرده است. یکی از این موارد، پرونده تی.سی.اس.بی. اینکورپوریتد و ایران،

حکم شماره ۲-۱۴-۱۱۴، ص ۱۵ (انگلیسی) ۱۶/۱۹۸۴ مارس ۱۶/۱۹۸۴ (سفند ماه ۱۳۶۲) است .
reprinted in 5 Iran- U.S. C.T.R. 160, 168.

در پرونده حاضر ، در هیچیک از قراردادهای ذیربط قید نشده که طرف ایرانی قرارداد ۵/۵ درصد بابت مالیاتها کسر کند ، خود آن را سرف نیز از مبالغ پرداختی به خواهان چنین مبلغی را کسر نکرده است . به عکس ، در قرارداد مشخص شده که چه طرفی مسئول پرداخت مالیاتها بوده و چه بخشی از آنرا باید بپردازد . بهمین نحو ، ترتیبات جدید مربوط به پرداخت که از مارس ۱۹۷۷ اعمال شد صرفاً " تعهد پرداخت مالیات را که قبلاً در مسئولیت ایزایران بود برعهده سی اس سی اس آی گذارد و خود تعهد مالیاتی را قانون مقرر می داشت . در طول دوره پس از مارس ۱۹۷۷ ، ایزایران از مبالغی که پرداخت می کرد ۵/۵ درصد کسر نکرد و بنابراین روشن ساخت که طرفین در قرارداد خود ، در مورد کسر چنین مبلغی توافق نکرده اند . علیهذا ، هرگونه تعهدی بابت پرداخت ۵/۵ درصد مالیات ، از قراردادهای ناشی نشده ، بلکه از اجرای قوانین مالیاتی ایران ناشی می شود ، و لذا دیوان صلاحیت وضع چنین کسوری را ندارد .
برای مثال ، رجوع شود به همان ماخذ ، ص ۲۴ (انگلیسی)
reprinted in 5 Iran - U.S. C.T.R. 173.

و اینترنشنال تکنیکال پرادکتس کورپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران
و سایرین ، حکم شماره ۳ - ۳۰۲ - ۱۹۶ ، ص ۲۹ (انگلیسی) (۲۸ اکتبر
۱۶/۱۹۸۵ آبان ماه ۱۳۶۴).

بنابراین ، ایزایران متعهد است مبلغ ۳،۹۲۱،۲۴۰ دلار بابت خدمات ارائه شده پس از ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) ، به خواهان بپردازد .

ج ج (هزینه های فسخ

خواهان مبلغ ۴۵۹،۷۷۵ دلار بابت هزینه باز خرید خدمت و مراجعت پرسنل، به دلیل فسخ قراردادها توسط ایزایران، مطالبه می کند. خواهان بدواً مبلغ ۳۰۸،۷۶۱ دلار ادعا کرده بود و بعداً " در لایحه پیش از استماع خود مبلغ مزبور را افزایش داد.

خواهان به عنوان مبنای این ادعا، به ماده ۱۵ قرارداد سال ۱۹۷۵ استناد می کند. قسمت ذیربط این ماده مقرر می دارد:

"در صورتی که ایزایران از نظر رعایت مصالح خود، این قرارداد را در طول مدت اعتبار آن و بدون اینکه قصوری متوجه پیمانکار فرعی باشد، فسخ کند، اطلاعیه سی (۳۰) روزه ای مبنی بر فسخ تسلیم خواهد کرد. هزینه واقعی بازگشت کارکنان خارجی به اقامتگاه اصلی ایشان را به پیمانکار فرعی پرداخت خواهد کرد. این هزینه شامل و منحصر به بسیط هواپیمای درجه دو برای کارمند و خانواده اش، و انتقال اثاثه و وسایل شخصی، حداکثر معادل وزن اثاثه وارده به ایران، می باشد. در صورتیکه قرارداد به دلیل قصور پیمانکار فرعی یا نقض قرارداد توسط وی، فسخ شود، هیچیک از هزینه های مذکور در جمله پیشین، به پیمانکار فرعی پرداخت نخواهد شد." (۲)

(۲) طرفین موافقت دارند که این شرط مندرج در قرارداد ۱۹۷۵ در مورد کلیه پروژه هایی که سی اس سی اس آی در فوریه ۱۹۷۹ در آن شرکت داشت، به استثنای یک پروژه، مجری بوده است. پروژه مذکور (پروژه آی آی ان) طبق یکی از ضمایم قرارداد ۱۹۷۴ اجراء شد، که حاوی شرطی مشابه ماده پانزده قرارداد ۱۹۷۵ است. معذک، در شرط مندرج در قرارداد ۱۹۷۴، تسلیم اطلاعیه فسخ سی (۳۰) روزه صراحتاً "قید نشده است. خواهان استدلال می کند که تفاهم طرفین بر این بوده که در این مورد نیز، نظیر فسخ قرارداد بدلیل نقض آن توسط طرف دیگر، اطلاعیه ۳۰ روزه لازم بود است. دیوان داوری به این مسأله منعی پردازد که آیا چنین اطلاعیه ای طبق قرارداد ۱۹۷۴ ضروری بوده یا نه، زیرا بطوریکه ذیل " به تفصیل آمده، ادعای مبتنی بر عدم ارائه اطلاعیه، حتی اگر چنین الزامی وجود می داشت، مردود شناخته می شد.

خواهان اظهار می‌دارد که ایزایران ، طی نامه مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۷۹ (۵ اسفندماه ۱۳۵۷) خودبه‌سی‌اس‌سی اس‌آی، قراردادها را فسخ کرد. در نامه قید شده است که فسخ از تاریخ اول فوریه ۱۹۷۹ (۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷) تحقق می‌پذیرد . خواهان این موضع را اتخاذ کرده که فسخ از ۲۴ مارس ۱۹۷۹ (۴ فروردین ماه ۱۳۵۸) محقق شده است و معتقد است که بعلت قصور ایزایران در تسلیم اطلاعیه فسخ سی (۳۰) روزه ، وی استحقاق دارد برای هریک از ۳۵ نفر کارمند خارجی مامور در پروژه‌های ایزایران در ماه فوریه ، ۸،۹۰۰ دلار حق الزحمه نفر- ماه مورد توافق در قرارداد را که جمعا " به مبلغ ۳۱۱،۵۰۰ دلار بالغ می‌شود، دریافت نماید. وی، مضافا " بابت هزینه‌های بازگشت کارکنان و بازخرید خدمت کارکنان محلی مبلغی متجاوز از ۱۴۸،۲۷۵ دلار" مطالبه می‌کند.

ایزایران استدلال می‌کند که تعطیل عملیات سی اس سی اس‌آی "معلول اوضاع سیاسی ایران" و "منحصرا" نتیجه انقلاب اسلامی ایران" بوده و لذا ایزایران هیچگونه مسئولیتی بابت هزینه‌هایی که خواهان ممکن بود در نتیجه تعطیل عملیات متحمل شود، ندارد. ایزایران اظهار می‌دارد که نامه مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۷۹ (۵ اسفندماه ۱۳۵۷) وی ، صرفا " تائید نهائی تعلیق تعهدات قراردادی بود که خود سی اس سی اس‌آی هنگام استناد به فورس‌ماژور در نامه مورخ سوم فوریه ۱۹۷۹ (۱۴ بهمن ۱۳۵۷) خود به ایزایران اعلام کرده بود. بالاخره ، ایزایران اظهار می‌دارد که گرچه طبق شرایط فسخ قرارداد ، کارکنان سی اس سی اس‌آی می‌بایست ۳۰ روز دیگر پس از نامه مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۷۹ (۵ اسفندماه ۱۳۵۷) ایزایران ، بر سرکار می‌مانده و خدماتشان را ارائه می‌کردند، با اینحال ، کارکنان مزبور قبل از آن موقع ایران را ترک کرده بودند

و صورت حسابها فقط خدمات ارائه شده تا ۱۹ فوریه ۱۹۷۹ (۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۷) را در بر می‌گرفت .

در رابطه با هزینه‌های بازگشت کارکنان خارجی سی‌اس‌سی‌اس‌آی ، دیوان داوری برایین نظر است که اکثر این هزینه‌ها از تعلیق موقت عملیات که سی‌اس‌سی‌اس‌آی در نامه مورخ سوم فوریه ۱۹۷۹ (۱۴ بهمن ماه ۱۳۵۷) خود اعلام نموده ، ناشی شده است و نه از اطلاعیه فسخی که ایزایران طی نامه مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۷۹ (۵ اسفندماه ۱۳۵۷) خود ارسال داشت . سی‌اس‌سی‌اس‌آی در نامه مورخ سوم فوریه ۱۹۷۹ (۱۴ بهمن ماه ۱۳۵۷) خود اعلام کرد که " کلیه کارکنان نشر را از تعهدات قراردادی شخصی‌شان آزاد نموده " و " تقریبا " کلیه کارکنان خارجی ترجیح خواهند داد که فوراً " ایران را ترک کنند " . در نامه ذکر شده که سی‌اس‌سی‌اس‌آی " چند نفر کارمند داوطلب با توافق طرفین ، تامین خواهد کرد که تا " اواسط مارس " در ایران بمانند . از ادله و مدارک هزینه‌های فسخ

چنین بر می آید که در تاریخ ۱۹ فوریه ۱۹۷۹ (۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۷) فقط یازده نفر از کارکنان خارجی سی اس سی اس آی هنوز مأمور پروژه های ایزایران بودند. در فهرست اسامی کارکنانی که هزینه های بازگشت دریافت نمودند، فقط نام هفت نفر از این یازده نفر کارمند به چشم می خورد. قید فورس ماژور قرارداد مشخص نمی کند که به دلیل یاد شده قرارداد بحالت تعلیق در آید، هزینه ها برعهده چه کسی خواهد بود. از صورت حساب های تسلیمی خواهان چنین به نظر می رسد که سی اس سی اس آی حسب معمول فقط بابت تعداد نفر - ماه (خدمت انجام شده) صورت حساب می فرستاد و نه برای هزینه های بازگشت کارکنانی که به خدماتشان خاتمه داده شده بود. تحت این اوضاع و احوال، دیوان داوری نتیجه می گیرد که در یک چنین مورد تعلیق به علت فورس ماژور هر طرف باید هزینه های خود را متحمل شود. تنها هزینه های مراجعتی که ایزایران متعهد به بازپرداخت آنست هزینه های موضوع ماده پانزده است. این ماده مقرر می دارد که هرگاه طرف ایرانی، قرارداد را با توجه به مصالح خویش فسخ کند باید این قبیل هزینه ها را بپردازد. همانطور که خود خواهان اظهار می دارد، ایزایران طی نامه مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۷۹ (۵ اسفند ماه ۱۳۵۷) به چنین فسخی اقدام کرد، و نه قبل از آن. بنابراین، خواهان استحقاق دارد هزینه های بازگشت آندسته از کارکنانی را که در تاریخ اطلای فسخ هنوز در پروژه های ایزایران خدمت می کردند، دریافت نماید. صورت حساب های خواهان حاکی است که در تاریخ ۱۹ فوریه ۱۹۷۹ (۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۷) یازده نفر کارمند را ایزایران ماء مور بودند و مبلغ ۲۵،۷۶۳ دلار بابت هزینه های بازگشت هفت نفر از این یازده نفر مطالبه شده است. لذا، خواهان استحقاق دارد مبلغ

۲۵،۷۶۳ دلار بابت هزینه‌های بازگشت ، از ایزایران دریافت کند .

در مورد پرداخت هزینه بازخرید خدمت کارکنان محلی سی اس سی اس آی ، دیوان داوری هیچ مبنای قراردادی جهت این ادعا ، در دست ندارد . پرداخت چنین هزینه‌ای ، چه در ماده ۱۵ و چه در سایر شروط قراردادی ، مقرر نشده است . از اینرو ، این بخش از ادعا باید مردود شناخته شود .

همین مطلب در مورد هزینه بازخرید خدمتی که خواهان بابت یک نفر - ماه برای هر یک از کارکنان خارجی اش مطالبه می‌کند نیز صادق است . در این بخش از ادعا اساساً " بابت نقض شرط مربوط به اطلاعیه ۳۰ روزه مطالبه خسارت شده است . به نظر خواهان ، یکی از هدف‌های این شرط اینست که هزینه‌های پیمانکار جهت یافتن شغل جدید برای کارکنان خود و حقوق پرداختی بدانان تا تاریخ مأموریت جدید ، به‌ویژه باز پرداخت شود . همانطور که در بالا اشاره شد ، اکثر کارکنان در تاریخ فسخ به موطن خود عزیمت کرده و یا قرار بود که بزودی عزیمت کنند . بنابراین ، حتی اگر سی اس سی اس آی در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۷۹ (۵ اسفند ماه ۱۳۵۷) اطلاعیه‌سی روزه را دریافت کرده بود نمی‌توانست بابت ۳۵ نفر - ماه کارمورد ادعا به ایزایران صورتحساب بدهد . در مورد کارکنانی که در آن تاریخ هنوز در ایران بودند ، خواهان ثابت نکرده که در اثر عدم ارائه اطلاعیه‌سی روزه متحمل خسارتی شده است . فی‌التم خواهان ثابت نکرده که چه موقع توانست کارکنان مزبور را در پروژه‌های دیگری بکار گمارد . این واقعیت که کارکنان یاد شده به هر صورت می‌بایست تا اواسط مارس ایران را ترک می‌کردند ، حاکی است که احتمالاً " بکار گماردن مجدد آنها در مدتی کمتر از ۳۰ روز امکان پذیر

بوده است . بعلاوه ، می توان تصور کرد که چنانچه سی اس سی اس آی به مدت ۳۰ روز دیگر به اجرای قرارداد ادامه داده بود ، در آن صورت قادر بود از هزینه های که متحمل می شد احتراز کند . با این حال ، خواهان هیچگونه جزئیات مربوط به هزینه های اجرای خدمات یا هزینه های متحمله پس از فسخ را ارائه نداده است . خلاصه اینکه ، شرط تسلیم اطلاعیه نمی تواند بخودی خود منظور قید خسارات تعیین شده را تامین کند ، بلکه دست کم باید ثابت شود که مبلغ مورد ادعا منطقا " نزدیک به میزان خساراتی است که واقعا " وارد شده است .

د د) استرداد مالیاتهای اضافی

خواهان استرداد مالیاتهای را که _____ سی اس سی اس آی بابت درآمد مکتسبه در سالهای مالی ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ بابت قرارداد ۱۹۷۲ پرداخته و مدعی است که اضافه بر مالیاتهای است که سی اس سی اس آی طبق قرارداد متعهد به پرداخت آن بوده از صنایع هواپیمائی ، مطالبه می کند . خواهان اظهار می دارد که طبق دستور صنایع هواپیمائی ، سی اس سی اس آی این مالیاتها را مطابق برگ تشخیص های صادره بنحو علی الراس توسط مقامات مالیاتی ایران ، پرداخت کرده است . " طبق قرارداد ، صنایع هواپیمائی متعهد بود کلیه مالیاتهای را که بعنوان مالیات بر شرکتها ، اضافه بر ۲/۵ در صد مالیات پیمانکاران فرعی _____ پرداخت می شده و می بایست از مبلغ پرداختی به سی اس سی اس آی کسر کند ، به نامبرده مسترد نماید . خواهان می گوید که صورت حساب مالیاتهای اضافه پرداخت شده را به صنایع هواپیمائی داده و نامبرده تعهد خود را تصدیق کرده ، لکن وجه آنرا به سی اس سی اس آی مسترد ننموده است . خواهان ، ۲۹۰،۷۷۷ دلار بابت

مبلغ صورت حساب مطالبه می‌کند. این رقم شامل ۵۵۵،۷۰۴ دلار مالیاتی است که اضافه پرداخت شده، علاوه مالیاتهای متعلقه به این مبلغ. سی اس سی آی اظهار می‌دارد که طبق قانون ایران، مبالغ مسترد شده، درآمد مشمول مالیات محسوب شده و صنایع هواپیمائی مسئول پرداخت این قبیل مالیاتهای اضافی نیز می‌باشد. خواهان این ادعا را بنحو تخییری نیز مطرح کرده، مبلغ ۵۵۵،۷۰۴ دلار مطالبه و تقاضا می‌کند که از مسئولیت پرداخت هرگونه مالیات متعلقه در صورت صدور حکم استرداد این مبالغ، مبری گردیده و صنایع هواپیمائی خسارت وی را تضمین نماید.

صنایع هواپیمائی انکار نمی‌کند که سی اس سی آی مالیاتهای به مبلغ مورد ادعا، پرداخت کرده، لکن انکار می‌کند که تعهدی نسبت به بازپرداخت چنین مالیاتهای داشته است. بالعکس، نامبرده اظهار می‌دارد که استرداد مالیات منوط و مشروط به این بود که وی قبلاً از مشتریان پول دریافت کند و وی این مطلب را به سی اس سی آی اطلاع داده بود. و از آنجا که صنایع هواپیمائی مدعی است که پولی از مشتریان دریافت نکرده، لذا هرگونه مسئولیت بابت استرداد مالیاتها را انکار می‌نماید.

هنگامی که صنایع هواپیمائی و سی اس سی آی راجع به قرارداد ۱۹۷۲ مذاکره می‌کردند، چنین فرض کردند که مسئولیت مالیات متعلقه به حق الزحمه‌های دریافتی سی اس سی آی منحصر به مالیات پیمانکاران فرعی خواهد بود که در آن موقع ۲/۵ درصد پرداختهای ناخالص قراردادی را تشکیل می‌داد این مطلب در یک نسخه کاربرگ منضم به تفاهم نامه‌ای که پیش از قرارداد امضاء گردیده، قید و

در ماده سه قرارداد نیز منعکس شده است. ماده مزبور مقرر می‌دارد که

"کل هزینه خدمات ارائه شده بموجب این سند عبارت خواهد بود از جمع مبالغ مذکور در ضامم این سند. پرداختها صددرصد به دلار آمریکا و پس از کسر ۲/۵ درصد مالیات پیمانکاران فرعی، انجام خواهد شد."

توافق طرفین مبنی بر اینکه صنایع هواپیمائی مالیاتهای مازاد بر این مبلغ را متحمل خواهد شد، در ماده شش قرارداد درج گردیده، که بشرح زیر مقرر می‌نماید:

"تفاهم و توافق براینست که صنایع هواپیمائی ایران مسئول پرداخت حقوق بیمه اجتماعی دولت ایران و مالیات بردرآمد متعلقه به درآمدهای مکتسبه بموجب این قرارداد یا ضامم آن، خواهد بود."

"مضافاً، تفاهم و توافق براینست که قیمت ضامم شامل هیچگونه مالیات یا عوارض گمرکی بهر شکل نخواهد بود، غیر از مالیات دولت ایران بر پیمانکاران فرعی."

در ماده شش مضافاً "قید شده که در صورتیکه هرگونه تغییری در نرخ یا نحوه تخصیص تعهد مالیاتی "بر ماده شش اثر گذارد، سی اس سی اس آ می تواند طبق شرط قراردادی مربوط به "تغییرات"، تعدیل قیمت قرارداد را خواستار شود.

بر اساس این شرایط، صنایع هواپیمائی از کلیه پرداختهائی که بموجب قرارداد ۱۹۷۲ در طول سالهای مالی ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ انجام شد، ۲/۵ درصد کسر و آنرا به مقامات مالیاتی ایران پرداخت کرد. سی اس سی اس آ

بدهی مالیاتی خود را طبق مقررات مربوط به مالیات پیمانکاران فرعی مندرج در مواد ۷۶ و ۷۹ قانون مالیاتهای مستقیم ایران، محاسبه، اظهارنامه های مالیاتی اش را بر همان اساس تنظیم و تسلیم و بابت سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ مبلغ ۱،۴۶۸،۴۷۶ ریال یا ۲۱،۶۷۴ دلار مالیات اضافی پرداخت کرد. در ۲۶ فوریه ۱۹۷۵ (۷ اسفندماه ۱۳۵۳)، مقامات مالیاتی ایران، مالیات سی اس سی اس آی برای سالهای مالی ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ را بر این اساس تقویم نمودند که خدمات ارائه شده طبق قرارداد ۱۹۷۲، از نوع کمکه های آموزشی و فنی بوده و لذا مشمول تبصره ۲ ماده ۸۱ قانون مالیاتهای مستقیم است و نه مواد ۷۶ و ۷۹ ناظر بر مالیات پیمانکاران فرعی. این امر منجر به وضع مالیات قابل توجهی بالغ بر ۳۰ درصد دریافتیهای ناخالص مربوط به سال ۱۹۷۳ و ۲۷ درصد برای سال ۱۹۷۴ گردید.

در سوم مارس ۱۹۷۵ (۱۲ اسفندماه ۱۳۵۳) سی اس سی اس آی ضمن اینکه وصول برگ تشخیص مالیاتی فوق الذکر را، به صنایع هواپیمایی اعلام کرد، به وی اطلاع داد که "افزایش مذکور مشمول شرط تغییرات (یعنی ماده شش مربوط به مالیاتها) بوده و لذا جزو مسئولیت صنایع هواپیمایی است." سپس، صنایع هواپیمایی و سی اس سی اس آی شفاها "و کتبا" راجع به اینکه چه اقدامی باید در مورد برگ تشخیص مالیاتی انجام دهند به بحث و مذاکره پرداخته و بالنتیجه سی اس سی اس آی نزد مقامات صالحه ایران به این برگهای تشخیص، اعتراض کرد. سرانجام راثی صادر شد مبنی بر اینکه خدمات سی اس سی اس آی با استناد قرارداد ۱۹۷۲ مشمول مفاد تبصره ۲ ماده ۸ قانون مالیاتهای مستقیم است. سی اس سی اس آی، بر مبنای برگ های تشخیص، نهائی، مبلغ ۳۷،۰۹۷،۳۸۶ ریال یا ۵۳۴،۵۴۴ دلار مالیات اضافی، با قید اعتراض، پرداخت کرد.

در طول مذاکراتی که تا جع به نحوه ا قدا م در مورد برگه های تشخیص مالیاتی به عمل آمد ، صنایع هواپیمائی نامه ای به سی اس سی اس آی نوشت که خواهان آنرا بعنوان تصدیق تعهد صنایع هواپیمائی مبنی بر باز پرداخت مالیاتهای اضافی به سی اس سی اس آی ، تعبیر می کند . صنایع هواپیمائی نیز با استناد به همین نامه استدلال می کند که استرداد این مالیاتها منوط و مشروط به این بود که وی قبلا" از مشتریان خود حق الزحمه خدمات را دریافت کند . در نامه ، ضمن مطالب دیگر ، از سی اس سی اس آی درخواست شده است که :

۱ - با استفاده از کارشناسان مالیاتی در محل ، میزان مالیات تعیین شده را به حداقل تقلیل دهد .

۲ - صورت حساب مالیاتها را طبق قرارداد ذیربط برای صنایع هواپیمائی ارسال دارد .

۳ - میزان معافیت مالیات بردرآمد خارجی شرکت را تعیین و آنرا به — بستانکار حساب صنایع هواپیمائی منظور نماید .

در نامه ، همچنین قید شده که در جلسه ملاقات قبلی طرفین :

" اظهار شد که برگ تشخیص مالیاتی را می توان به موجب شرط تغییرات به صنایع هواپیمائی تسلیم کرد . لکن ، جرایم و بهره مطلب جداگانه ای است .

به محض دریافت صورت حسابهای مستند و مدلل حاوی نسخ رسید رسمی پرداخت ، صنایع هواپیمائی مطالبات مالیاتی شمارا طبق مفاد قرارداد به مشتریان مربوط منتقل خواهد کرد و به مجرد پرداخت به صنایع هواپیمائی ، بلافاصله (عین آن) به سی اس سی اس سی مسترد خواهد شد ."

این نامه نشان می‌دهد که برداشت صنایع هواپیمائی در آن موقع چنین بوده - و هنوز هم هست - که استرداد مالیاتهای پرداخت شده اضافی، به سی اس سی اس آی، طبق قرارداد منوط به وصول وجه از مشتریان است. از آنجا که سی اس سی اس آی به این نحو تعلق در آن موقع ایراد گرفت و در جریان رسیدگی حاضر نیز چنین کرده، لذا این مساله مطرح می‌شود که آیا این تفسیر واقعا "مبتنی بر شرایط قرارداد است، یا خیر. با مقایسه آن شرط ماده شش قرارداد که قیمت مورد توافق در قرارداد را از هرگونه مالیاتی غیر از "مالیات پیمانکاران فرعی" مستثنی نموده از یکطرف، و آن شرط ماده مذکور که به سی اس سی اس آی حقداده که طبق مفاد ماده سیزده، در صورت تغییر نرخ یا نحوه تخصیص بدهی مالیاتی که بر میزان تعهد مالیاتی مندرج در ماده شش تاثیر گذارد، درخواست "تعدیل" قیمت نماید، از طرف دیگر، کاملا روشن به نظر می‌رسد که سی اس سی اس آی می‌توانسته استرداد مالیاتهای اضافی تعیین شده را خواستار شود و صنایع هواپیمائی نیز متعهد به پرداخت آن بوده است. سی اس سی اس آی، در واقع باز پرداخت چنین مبلغی را از صنایع هواپیمائی تقاضا کرد. نمی‌توان از شرایط ذریبط قرارداد استنباط کرد که باز پرداخت مالیات منوط به این بوده که صنایع هواپیمائی قبلا از مشتریان خود وجهی دریافت کنند. از اینرو، صنایع هواپیمائی نمی‌تواند قصور مشتریان در ایفای تعهداتشان را، مستند عدم ایفای تعهد خود قرار دهد.

خواهان مبلغ ۷۷۷،۲۹۰ دلار بابت مالیات اضافی که معادل ۵۳،۹۴۳،۹۲۸ ریال است و در صورت حساب مورخ ۱۲ آوریل ۱۹۷۶ (۲۳ فروردین ماه ۱۳۵۵) از صنایع هواپیمائی مطالبه شده، تقاضا می‌کند. این مبلغ مورد مطالبه،

همان مالیاتهای پرداختی اضافی است بعلاوه رقمی بابت مالیات متعلقه به مبلغ استرداد طبق ضوابط معمول در برگ تشخیص مالیاتی فوریه ۱۹۷۵ بطوریکه خالص مبلغ مالیات اضافی که واقعا " توسط سی اس سی اس آی پرداخت شده ۳۸،۵۶۵،۸۶۴ ریال یا ۵۵۵،۷۰۴ دلار است. خواهان اظهار می‌دارد که مبالغ ریالی طبق نرخ رایج در آن وقت به دلار تبدیل شده است.

چنانچه دیوان اعلام نماید که سی اس سی و سی اس سی اس آی از مسئولیت پرداخت هرگونه مالیات دولت ایران نسبت به مبالغ مورد حکم مبری بوده و بعلاوه صنایع هواپیمائی نیز مسئول تضمین خسارات خواهان بابت این قبیل تعهدات است. در آنصورت، خواهان فقط مبلغ ۵۵۵،۷۰۴ دلار بابت مالیات اضافی مطالبه می‌کند.

دیوان داوری اولاً نتیجه می‌گیرد که خواهان فقط استحقاق دارد مبلغ ۵۵۵،۷۰۴ دلار^(۳) که معادل رقمی است که سی اس سی اس آی واقعا " بابت مالیات اضافی پرداخته، از صنایع هواپیمائی دریافت نماید. سی اس سی اس آی هیچگونه مالیات اضافی بابت این مبلغ نپرداخته و یا چنین مالیاتی از او مطالبه نشده و صنایع هواپیمائی یا هیچ خواننده دیگری نیز پرداخت چنین مالیاتی را از او نخواسته است. بنابراین، هیچ مبنای حقوقی برای استرداد مبلغ بالاتری وجود ندارد.

ثانیا "، همانطور که در بالا گفته شد، طبق قرارداد ۱۹۷۲ سی اس سی اس آی متعهد بود فقط ۲/۵ درصد بابت پرداختهای قراردادی

(۳) برای محاسبه معادل دلاری مالیات قابل استرداد، خواهان بدرستی از نرخ تبدیل رایج در تاریخی که این مالیاتها را به ریال پرداخت کرده، استفاده نموده و این مطلب مورد ایراد و اعتراض واقع نشده است.

مالیات بپردازد و صنایع هواپیمائی ملزم بود کلیه مالیاتهای راکه سی اس سی آی مازاد براین نرخ می پردازد، مسترد نماید. هرگونه ادعائی بابت مالیاتهای موضوعه دولت ایران نسبت به مبلغ ۵۵۵،۷۰۴ دلار مورد حکم که پس از صدور حکم حاضر مطرح گردد، خارج از صلاحیت دیوان بوده و بدینسان دیوان صلاحیت صدور حکم ابراء یا تضمین گرامت در برابر چنین تعهد بالقوه آتسی را ندارد. (۴)

علاوه بر استرداد مبلغ فوق الذکر از صنایع هواپیمائی، خواهان بازپرداخت مالیاتهای را مطالبه می کند که سی اس سی آی بابت درآمد مکتسبه خویش پرداخته یا از پرداختهای قراردادی در طول سالهای مالی ۱۹۷۵ الی ۱۹۷۸ طبق قراردادهای ۱۹۷۲، ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ کسر گردیده و به گفته وی میزان این مالیاتها زائد بر مبالغی بوده که طرفین توافق کرده بودند که سی اس سی آی بموجب این قراردادها بپردازد. در هر کدام از این قراردادها فرمول متفاوتی برای توزیع بار اقتصادی پرداخت مالیاتهای موضوعه دولت ایران بابت درآمدهای قراردادی سی اس سی آی تعیین شده است. همانطور که گفته شد، قرارداد ۱۹۷۲ صنایع هواپیمائی و بعداً "ایزایران" را ملزم می ساخت که هرگونه مالیاتی که سی اس سی آی تحت عنوان مالیات بر شرکتها زاید بر ۲/۵ درصد پرداختی نسبت به درآمد مکتسبه طبق قرارداد تادیه می نمود را به نامبرده مسترد نماید. در قرارداد ۱۹۷۴ مقرر گردید که مالیاتهای زاید بر ۴ درصد مسترد شود. قرارداد ۱۹۷۵ سی اس سی آی را از پرداخت هرگونه مالیات نسبت به

(۴) در این رابطه، همچنین خاطر نشان می سازد که خواهان بدواً، تقاضا کرد که مفاصا حساب مالیاتی توسط وزارت دارائی ایران برای وی صادر شود. نامبرده، بعداً این ادعا را پس گرفت. در مورد جزئیات این ادعا رجوع شود به بخش سوم - ۲ - ج) زیر.

درآمد مکتسبه بموجب قرارداد ، معاف نموده و ایزایران را ملزم میساخت
این قبیل مالیاتهای پرداختی را بهوی مسترد دارد. خواهان با تخصیص
درآمد مکتسبه خود در سالهای مالی ۱۹۷۵ الی ۱۹۷۸ به قراردادهای مختلفه
کل مبلغ مالیاتی را که مدعی است سی اس سی اس آی بر مبنای
فرمول مربوط متعهد به پرداخت آن بوده ، محاسبه کرده است . نامبرده
سپس این رقم را از کل مالیاتهایی که سی اس سی اس آی حسب ادعا
پرداخته یا در طول این مدت از وی کسر گردیده ، کم کرده که حاصل آن
۱،۴۰۷،۴۱۴ دلار مالیات اضافی است که استرداد آنرا از ایزایران
مطالبه می کند . خواهان مضافاً " اعلام این مطلب را از دیوان تقاضا
می نماید که سی اس سی اس آی از هرگونه مالیات دولت ایران که
ممکن است به مبلغ مورد حکم تعلق گیرد و یا هر مالیات اضافی که احتمالاً
به در آمد مکتسبه در سالهای مالی ۱۹۷۵ الی ۱۹۷۸ تعلق گیرد
معاف و مبری می باشد .

ایزایران دفاعیات زیر را در برابر این ادعا اقامه نموده که خواهان آنرا
رد کرده است . ایزایران می گوید : فرمول تخصیص بدهی مالیاتی قراردادهای
مغایر با قوانین ایران بوده و لذا قابل اجرا نیست . ضمناً بعد از قرارداد ۱۹۷۵
جایگزین فرمول اولیه تخصیص بدهی مالیاتی قراردادهای شده و به موجب آن
سی اس سی اس آی مسئول کلیه مالیاتها واقع شده است . این واقعیت که سی اس
سی اس آی بطور مستقیم مالیات پرداخته با ادعای استرداد آن منافات
دارد . خواهان ثابت نکرده که مالیاتهایی که حسب ادعا ، پرداخته به
درآمد مکتسبه بموجب قراردادهای سه گانه مربوط بوده و هیچگونه مدرکی
هم راجع به نحوه تخصیص این پرداختها بین قراردادهای ، ارائه ننموده
است .

دیوان داوری نتیجه می‌گیرد که خواهان حق دارد قسمتی از مالیات‌های را که زایدبر مبالغ مقرر در قرارداد پرداخته از ایزایران مسترد نماید. ایزایران ثابت نکرده که شرایط مربوط به بازپرداخت مالیات‌ها که خواهان به استناد آن ادعایش را مطرح ساخته ، مغایر با قوانین ایران است . دیوان داوری قبلاً " نظر داده است که قید مشابهی در مورد معافیت مالیاتی و استرداد هرگونه مالیات پرداختی ، مغایر با قوانین ایران نیست . رجوع شود به : امریکن بل اینترنشنال اینکورپوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین ، قرار اعدادی شماره ۳-۴۸ - ۴۱ ص ۳۲ (انگلیسی) (۱۱ ژوئن ۱۹۸۴/۲۱ خرداد ماه ۱۳۶۳) . علاوه بر این، هیچگونه مابینتی بین پرداخت مالیات و سپس تقاضای بازپرداخت آن براساس شرط استرداد مندرج در قرارداد، از متعهد دیگر، وجود ندارد.

باید توجه داشت که نتیجه‌گیری فوق منافاتی با این نظر دیوان ندارد که دیوان فاقد صلاحیت رسیدگی نسبت به کسر ۵/۵ درصد مالیات از کلیه مبالغ پرداختی به خواهان است ، (رجوع شود به : بخش سوم - ۱ - ب (ب) بالا) : گرچه در قراردادها کسر چنین درصدی مقرر نشده ، با اینحال ادعای استرداد مورد بحث در اینجا ، فی‌الواقع مبتنی بر خود قرارداد است . خواهان در محاسبه مبلغ مورد ادعای استرداد، میزان مالیاتی را که می‌بایستی پرداخت می‌کرد از کل مالیاتی که بابت سالهای مورد بحث پرداخته ، کسر کرده است . غیر از مبلغ قلیلی بهره و درآمد متفرقه که در زیر بحث خواهد شد، ایزایران هیچگونه دلیل و مدرکی در رد این استدلال خواهان ارائه نکرده که این قراردادها تنها منبع درآمد مشمول مالیات سی اس سی آی در طول سالهای مورد بحث بوده است . بعلاوه ، مقایسه اظهارنامه مالیاتی سال منتهی به ۳۱ مارس ۱۹۷۸ که توسط خواهان تسلیم گردیده و مدارک خود ایزایران در مورد

پرداختهایی که بموجب این قراردادها بعمل آمده ، این نتیجه گیری را تأیید می کند .

با وجود این ، دیوان معتقد است که خواهان در توزیع درآمدش بین قراردادهای ، فرمولهای متفاوت مندرج در برخی از ضمایم قرارداد ۱۹۷۵ در مورد توزیع مالیات و نیز فرمول جدید مورد توافق در ۱۹۷۷ راجع به پرداخت رابنحو مقتضی در محاسبه منظور نگه کرده است . ضمایم الف ، ب و ج قرارداد ۱۹۷۵ حاوی قیودی است مبنی بر اینکه قیمت ضمیمه طبق قوانین و مقررات جاری ایران در هنگام امضای آن ضمیمه مشمول مالیات خواهد بود . در قیود مزبور تصریح شده است که آن قیود جایگزین شرط معافیت مالیاتی و استرداد هرگونه مالیات پرداختی در قرارداد ۱۹۷۵ می شوند . خواهان استدلال می کند که ارقام درآمد متعلقه به ضمایم الف و ج مشمول مالیات نبودند ، زیرا این مبالغ در ایالات متحده عاید شده است نه در ایران ، و بعلاوه وی وجهی بابت ضمیمه ب دریافت نکرده است . معذک ، در هر دو ضمیمه الف و ج (که به پروژه واحدی مربوط می شوند) ذکر شده که بخشی از آنها باید در ایالات متحده و بخشی در ایران اجرا شوند و دیوان بر این نظر است که قیود مزبور می بایستی بطور خاص بدین سبب درج شده باشد که پیش بینی می شد دولت ایران بر درآمد حاصله از این ضمایم ، مالیات هایی وضع کند . در مورد ضمیمه ب ، خواهان تصدیق می کند که مقادیر زیادی پرداختهای مشخص نشده طبق قراردادها وصول نموده که قسمتی از آن را باید به آن ضمیمه مربوط دانست .

علاوه بر این ، از شهادت ادا شده توسط خود خواهان روشن است که در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۷۷ (اول فروردین ماه ۱۳۵۶) نحوه تخصیص تعهد مالیاتی و جدول پرداخت

اختصاصی بدهی مالیاتی مربوط به قرارداد ۱۹۷۵ کلاً "تغییر یافت، از آن به بعد، سیاسی سیاسی می‌بایست صورت حسابها را بر اساس نرخ جدید و بالاتری یعنی ۸،۹۰۰ دلار برای هر نفر - ماه تسلیم و مسئول پرداخت کلیه مالیاتها باشد. گرچه به نظر می‌رسد که هیچیک از صورت حسابهای بعد از مارس سال ۱۹۷۷، از طریق پرداختهای تخصیصی تادیه نشده، با اینحال بخشی از پرداختهای غیرتخصیصی را باید به آن صورت حسابها مربوط دانسته و از محاسبه مالیاتهای قابل استرداد مستثنی ساخت. بنابراین، مالیات متعلقه به هر مبلغ پرداختی که قابل انتساب به این صورت حسابها باشد را باید خواهان بطور کامل متحمل شود.

بالاخره، خواهان مسئول تقبل کلیه مالیاتهای متعلقه به بهره و درآمد متفرقه‌ای است که در رابطه با قراردادها تحصیل نموده است. هیچیک از قراردادها ایزایران را ملزم نساخته که هر جزئی از این مالیاتها را متحمل گردد.

بطور خلاصه، علاوه بر مالیاتهایی که خواهان تصدیق می‌کند که طبق قراردادها باید متحمل شود، نامبرده می‌بایست کل مالیات متعلقه به درآمدهای زیر را نیز پرداخت می‌کرد: (۱) درآمد حاصل از ضمایم الف، ب یا ج قرارداد ۱۹۷۵، (۲) درآمد حاصل از پرداخت صورت حسابها بر مبنای نرخ ۸،۹۰۰ دلار برای هر نفر - ماه پس از ۲۱ مارس ۱۹۷۷ (اول فروردین ماه ۱۳۵۶)، و (۳) بهره و درآمدهای متفرقه دیگر.

بنابراین، دیوان مبالغی از درآمد خواهان را که طبق قراردادها، مالیات آن برعهده اوست، مجدداً "محاسبه کرده است. اولاً، دیوان پرداختهای تخصیص نیافته‌ای را که قابل انتساب به هر پروژه است، محاسبه نموده و مبالغ مزبور را بر حسب پروژه و سال به نسبت

کل مبلغ صورتحسابهای معوقه متعلق به هر پروژه در پایان سال مالی مربوط ، تفکیک نمود. ثانياً ، مبالغ تخصیص یافته ، به مبالغی که مستقیماً " بابت هر پروژه پرداخت شده بود اضافه گردید ، تا کل پرداختهای هر پروژه مشخص گردد. ثالثاً ، دیوان نرخ مالیاتی مصرح در قراردادها را اعمال کرد ، یعنی : $\frac{2}{5}$ درصد در مورد درآمد حاصله طبق قرارداد ۱۹۷۲ ، ۴ درصد در مورد درآمد حاصله طبق قرارداد ۱۹۷۴ ، و نرخ مالیات مندرج در اظهارنامه مالیاتی خواهان در مورد صورتحسابهای مبتنی بر نرخ ۸،۹۰۰ دلار نفر- ماه و بهره و درآمد متفرقه و ضمیمه الف ، ب و ج (که مالیات آن تماماً " برعهده خواهان است) . (۵)

با استفاده از این روش ، دیوان نتیجه می گیرد که از مبلغ ۲،۲۴۴،۶۱۸ دلار مالیات پرداختی توسط خواهان در طول سالهای مالی ۱۹۷۵ الی ۱۹۷۸ ، وی ملزم بوده مبلغ ۱،۴۸۰،۰۸۸ دلار بابت مالیات اضافی به خواهان مسترد دارد. (۶)

(۵) در واقع فقط نرخ متوسط در مورد سال مالی ۱۹۷۸ مصداق می یابد. در سال ۱۹۷۵ هیچگونه پرداختی که قابل انتساب به هر یک از اقلام درآمد سال ۱۹۷۵ که کاملاً" مشمول مالیات باشد ، بعمل نیامده ، و در سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ ، خواهان متحمل زیانهای سنگینی در ایران گردید و لذا مالیاتی پرداخت نکرد . در مورد سال مالی ۱۹۷۸ ، متوسط نرخ مالیاتی خواهان $\frac{10}{1967}$ درصد بوده است .

(۶) مالیاتی که خواهان باید پرداخت کند ، $\frac{2}{5}$ درصد و ۴ درصد مالیات مقرر در قرارداد نسبت به درآمد حاصله در سال مالی ۱۹۷۹ ، می باشد. مقدار این مالیاتها جمعاً " ۲۶،۵۱۸ دلار است . با وجودیکه ادعای خواهان فقط سالهای مالی ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ را شامل می شود ، با اینحال نامبرده در محاسبه مالیات اضافی که استرداد آن را مطالبه می کند ، با کاهش آن به میزان مبلغ این مالیاتها (یعنی ۲۶۵۱۸ دلار) مبلغ مورد مطالبه را عملاً " کاهش داد. چون خواهان بدین طریق مایل است ادعای خود بابت استرداد مالیات را معادل این مبالغ کاهش دهد ، لذا دیوان همان روش را در محاسبات خویش به کار برده است. در مورد نرخ تبدیل بکار رفته رجوع شود به : پانویس ۳ بالا .

درخواست خواهان از دیوان مبنی بر اعلام این مطلب که خواهان از پرداخت مالیات نسبت به مبلغ ۷۶۴،۵۳۰ دلار مورد حکم ، "مبری" شناخته شود به همان دلایلی که در رابطه با ادعای مالیات اضافی علیه صنایع هواپیمائی عنوان گردید ، رد می شود . همین مطلب در مورد هرگونه مالیات اضافی که پس از صدور این حکم ممکن است به درآمد حاصله توسط سی اس سی اس آی در سالهای مالی ۱۹۷۵ الی ۱۹۷۸ تعلق گیرد نیز ، صادق خواهد بود . (۷)

ج ج (وجوه بانکی

خواهان موجودی مجموعاً " هفت حساب بانکی را که سی اس سی اس آی و اس اس آی در بانک تجارت و بانک ملت داشته اند ، مطالبه می کند . بعضی از این حسابها حساب ریالی و برخی حساب دلاری بودند . به استثنای یک حساب پس انداز ریالی ، همه این حسابها ، حساب جاری بودند . خواهان می گوید که بانکها از اجابت تقاضاهای مکرر او جهت دریافت وجه از این حسابها با استناد به مقررات ارزی جاری ایران خودداری کرده اند . خواهان مبلغ ۲۱۹،۶۷۸ دلار بابت کل موجودی (مانده بستانکار) حسابها مطالبه می کند .

(۷) در این زمینه خاطر نشان می شود که خواهان بدواً " از وزارت دارائی ایران ، مفاصا حساب مالیاتی خواست و بعداً " این ادعا را پس گرفت ، همچنین خاطر نشان می شود که ادعای متقابل مالیاتی وزارت دارائی ایران مردود شناخته شده است . در مورد جزئیات این موضوع رجوع شود به : بخش سوم - ۲ - ج) زیر .

خواهان از دولت جمهوری اسلامی ایران بعنوان خواننده اصلی نام برده و موجودی حسابهای بانکی را از وی مطالبه می‌کند. خواهان استدلال می‌کند که مقررات ارزی مصوب دولت ایران مقرر می‌داشت که بانکهای ایرانی برای معاملات ارزی موافقت بانک مرکزی را کسب کنند و در مواردی که بانک تجارت و بانک ملت از اجابت تقاضاهای دریافت وجه از حسابها خودداری کردند، اجرای مقررات ارزی در حکم صادره بوده و --- ویژه اینکه امتناع از اجازه دریافت وجه از حسابها به استناد مقررات ارزی در حکم صادره است، زیرا وضع این مقررات، نقض موافقت نامه صندوق بین‌المللی پول و عهدنامه مودت محسوب می‌شود.

خواهان، ادعای خود را بنحو تخییری نیز مطرح کرده، می‌گوید که حتی اگر مقررات ارزی ناقض موافقت نامه بین‌المللی پول و عهدنامه مودت نباشند، بانک تجارت و بانک ملت مسئول عدم رعایت این مقررات اند. بانکهای ایرانی نمی‌توانند بدون موافقت بانک مرکزی به هیچگونه معامله ارزی اقدام کنند و باید هرگونه تقاضای دریافت وجه یا انتقال ارز را، جهت تصویب به بانک مرکزی تسلیم نمایند. خواهان می‌گوید که معلوم نیست در پرونده حاضر اصلاً از بانک مرکزی تقاضای موافقت شده باشد و استدلال می‌کند که اگر بانک تجارت و بانک ملت اجازه بانک مرکزی را نخواسته باشند، فی الواقع قانون ایران را رعایت نکرده‌اند و لذا، صرف نظر از آنکه مقررات ارزی قانونی بوده یا نبوده، بابت ارزش کلیه وجوه بانکی که من غیر حق ضبط گردیده، مسئول هستند.

خواهان بعنوان ادعای تخییری ثالث، موجودی حسابهای دلاری در بانک تجارت و بانک ملت را مطالبه می‌کند. خواهان استدلال می‌کند که برداشت از حساب دلاری، معامله ارزی که مشمول مقررات ارزی ایران باشد،

نیست و حتی اگر آن مقررات معتبر شناخته شوند ، بانکها من غیر حق آن را در مورد تقاضاهای دریافت وجه حسابهای دلاری اعمال کرده‌اند. نامبرده مضافاً اظهار می‌دارد که بانکها حتی مدعی نشده‌اند که امتناع آنها از پرداخت از حسابهای دلاری طبق مقررات ارزی قابل توجیه بوده است .

دفاعیات بانک تجارت و بانک ملت در برابر ادعای مربوط به وجوه بانکی گرچه بطور جداگانه اقامه شده ، با اینحال توأماً مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت ، زیرا اساساً اظهارات و استدلالات یکسانی را مطرح می‌سازند. درحالیکه بانکها ایرادی به مالکیت و موجودی حسابها نمی‌گیرند (بعداً به یک فقره اختلاف حساب رسیدگی خواهد شد) ، با اینحال عموماً اظهار می‌دارند که انتقال مانده حسابها به خارج از ایران امکان پذیر نبوده ، زیرا "بدنبال پیروزی انقلاب اسلامی، انتقال ارز به خارج از ایران به علت شمول برخی محدودیتهای ارزی ، محدود گردید". بانکها براین نظرند که مقررات ارزی ایران ، با توجه به اوضاع و احوال ویژه حاکم بر ایران، موجه بوده متضمن تبعیض نسبت به خارجیان نیست و موافقت نامه بین المللی پول را نیز نقض نمی‌کند. هر دو بانک اظهار می‌دارند که آماده بوده و هستند که مانده حسابهای ریالی را بپردازند و لکن چون هیچگونه تقاضائی برای دریافت وجه از این حسابها بعمل نیامده ، لذا قبلاً ملزم به پرداخت آن نبودند. آنان همچنین اظهار می‌دارند که چنانچه اجازه لازم با رعایت مقررات جاری صادر شود، مانده حسابهای دلاری نیز پرداخت خواهد شد. بالاخره بانکها می‌گویند که برخی از تقاضاهای مربوط به برداشت از حسابهای دلاری صحیح نبوده ، زیرا مبالغ مورد تقاضا بیش از مانده

حسابها ، بوده است .

دیوان داوری قبلا" نظر داده که صرف حق دریافت وجه از یک حساب بانکی، "ادعا" در مفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی به شمار نمی آید، اما ادعای اینکه در استفاده از حساب بی دلیل مداخله شده یا حساب بنحو دیگری ضبط شده ، چنین ادعائی را بوجود می آورد. رجوع شود به : هارزا انجینیرینگ کامپنی و جمهوری اسلامی ایران ، حکم شماره ۲- ۹۸- ۱۹ صفحه ۷ (فارسی) (۳۰ دسامبر ۱۹۸۲/۹ دیماه ۱۳۶۱).

reprinted in 1 Iran- U.S. C.T.R. 499, 504.

خواهان چنین ادعائی را در رابطه با کلیه حسابهای بانکی و در کلیه سه ادعای تخییری اش ، مطرح ساخته است .

برای آنکه یک چنین ادعای بانکی پایرجا شناخته شود، لازم است تقاضای دریافت وجه از حساب، پیش از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) به عمل آمده باشد. رجوع شود به : تیپتس ، ایت ، مک کارتی ، استراتن و تامس- آفا ، مهندسین مشاور ایران و سایرین ، حکم شماره ۲- ۷- ۱۴۱ ، ص ۷ (انگلیسی) (۲۹ ژوئن ۱۹۸۴/۸ تیرماه ۱۳۶۳). خواهان بعنوان مدرک مکاتبات انجام شده در همان زمان را تسلیم نموده که دیوان را متقاعد می سازد که تقاضاهای دریافت وجه از حسابهای دلاری ، به نحوی بوده که ادعای مطروح بابت این مبالغ را پایرجا می سازد. بانک تجارت استدلال می کند که تقاضای دریافت وجه از حساب دلاری موجود در بانک به نام سی اس سی اس آی صحیح نبوده زیرا مبلغ مورد تقاضا از مانده حساب ، که ۹۹۰ دلار بوده ، بیشتر بوده است. درمارس ۱۹۷۹ ، خواهان چکی عهده این حساب صادر کرد که مبلغ آن حدودا" ۲۰ درصد بیشتر از مانده حساب بود. بانک تجارت چک را بدون پرداخت

برگشت داد . لکن ، نامبرده دلیل برگشت چک را مبلغ آن ندانسته بلکه ذکر کرده که چک "به دلیل مقررات ارزی بانک مرکزی که انتقال ارز را ممنوع ساخته ، برگشت داده می شود". تقاضای دومی که در نامه اکتبر ۱۹۷۹ به عمل آمد ، بطورکلی بی جواب ماند . خواهان اظهار می دارد که دفاتر وی در آنموقع رقمی بالاتر از آنچه واقعا "در حساب بود ، نشان می داده و وی رقم واقعی موجودی را بعدا " کشف کرد و اکنون رقم مزبور را مطالبه می کند . دیوان داوری نتیجه می گیرد که در اوضاع و احوال پرونده حاضر و نیز بدین سبب که خودداری بانک تجارت از پرداخت چک به دلیل عدم تکافوی موجودی حساب نبوده ، بنابراین صدور چک به مبلغی بالاتر از مانده حساب جاری را باید تقاضای کافی دانسته ، ادعای مطروح بابت موجودی واقعی حساب را پابرجا شناخت .

بانک ملت نیز استدلال می کند که صدور چک جهت برداشت از حساب دلاری که به نام سی اس سی اس آئی نزد وی وجود دارد ، صحیح نبوده ، زیرا مبلغ مورد تقاضا بیش از مانده حساب بوده است . در اینجانب ، بانک هنگام برگشت دادن چک چنین دلیلی را ذکر نکرده و به تقاضای بعدی که طبق نامه ای صورت گرفت نیز ، پاسخی نداد . علاوه براین ، مبلغ ۴۴،۹۴۳،۸۶ دلاری که در آنموقع مطالبه شده و اکنون مورد ادعاست و حدود یک درصد از مبلغی که به ادعای بانک ملت مانده حساب را تشکیل می دهد ، بالاتر است ، در اعلامیه بانکی صادره برای خواهان ، در مورد واخواست چک ، بعنوان " مانده " ذکر شده است . بانک ملت هیچگونه مدارک مستندی در رد این مدرک مربوط به رقم مانده حساب ، ارائه نداده است . دیوان داوری نتیجه می گیرد که ادعای مطروح بابت مبلغ ۴۴،۹۴۳/۸۶ دلار موجودی این حساب در بانک ملت ، ادعای پابرجائی بوده است .

در رابطه با حساب دلاری موجود در بانک ملت به نام سی سی آی ، بانک اظهار می‌دارد که سی سی آی یک شرکت ایرانی است که تحت کنترل خواهان نیست و لذا ادعا بابت مانده این حساب متعلق به خواهان نیست. خواهان به این مطلب ایرادی ندارد که سی سی آی در اکتبر ۱۹۷۶ ، طبق قوانین ایران تاسیس یافته و ۵۱ درصد سهام سرمایه‌ای آن در اختیار یک "گروه ایرانی" و ۴۹ درصد متعلق به کامپیوترساینسز سیستمز گام ب ها ، یک شرکت فرعی آلمانی تماما " متعلق به سی اس سی ، بوده است . معذک ، خواهان اظهار می‌دارد که "گروه ایرانی " بعداً ۵۱ درصد علیق خود در سی سی آی را به شرکت آلمانی یاد شده منتقل ساخت . خواهان ، بعنوان مدرک انتقال ، صورتجلسه مورخ ۸ اکتبر ۱۹۷۸ (۱۷ مهرماه ۱۳۵۷) هیات مدیره سی سی آی را تسلیم نموده ، که طی آن اعلام شد که اعضای "گروه ایرانی" مایلند سهامشانرا منتقل سازند و انتقال نیز تصویب و خاطر نشان گردید که مدیران "گروه ایرانی" استعفاهایشانرا که لازمه چنین انتقالی بوده ، تقدیم داشته اند . در ۲۳ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۳ دیماه ۱۳۵۷) ، "گروه ایرانی" و "گروه سی اس سی " انتقال سهام را کتبا " تائید کردند. سی اس سی ، در اظهاریه‌ای که در نوامبر ۱۹۷۹ نزد اداره درآمد داخلی ایالات متحده United States Internal Revenue Service به ثبت رساند ، اظهار داشت که کلیه اقدامات مقرر طبق قوانین ایران جهت قطعی ساختن انتقال در ۲۶ فوریه ۱۹۷۹ (۷ اسفندماه ۱۳۵۷) انجام شد. بانک ملت این مدرک را مورد بحث یا ایراد قرار نداده و دیوان داوری بر این اساس متقاعد شده است که در تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۷۹ (۷ اسفندماه ۱۳۵۷) سی سی آی ، از طریق کامپیوتر ساینسز سیستمز گام ب ها ، به مالکیت کامل سی اس سی درآمد.

در ژانویه ۱۹۷۹ ، سی سی آی دو چک ، جمعا "به مبلغ ۳۳،۰۰۰ دلار در وجه سی سی اس آی صادر کرد که بانک ملت آنها را در مارس ۱۹۸۰ ، با استناد به مقررات ارزی ایران بدون پرداخت برگشت داد. در ۲۸ مارس ۱۹۷۹ (۸ فروردین ماه ۱۳۵۸) سی سی آی چکی به مبلغ ۴۳،۰۵۰ دلار در وجه سی سی اس آی صادر کرد. در دوم آوریل ۱۹۷۹ (۱۳ فروردین ماه ۱۳۵۸) بانک آمریکائی خواهان به نامبرده اطلاع داد که بانک ملت چک را با توجه به مقررات ارزی برگشت داده است. در اوضاع و احوال پرونده حاضر تقاضاهای سی سی آی را باید کافی دانسته ، ادعای خواهان بابت مبلغ ۸۶،۰۷۳ دلار موجودی حساب دلاری نزد بانک ملت را ، پابرجا شناخت .

در رابطه بانقض ادعائی مقررات ارزی ایران ، دیوان داوری متذکر می شود که بانک تجارت و بانک ملت هیچکدام صریحا " نگفته اند که آیا به علت عدم موافقت بانک مرکزی با انتقال ارز ، از پرداخت مانده حسابهای دلاری خودداری کرده اند ، یا اینکه اصلا" نظر بانک مرکزی را خواستار نشده اند. هر دو بانک اظهار می دارند که انتقال مانده حسابها به خارج از ایران امکان پذیر نبوده ، زیرا انتقال ارز به خارج از ایران ، بعلت شمول مقررات ارزی ، محدود بوده است. هر دو بانک در آن زمان ، مستند عدم پرداخت از حساب دلاری را وجود مقررات ارزی عنوان کرده اند ، نه اینکه بانک مرکزی از صدور مجوز خودداری کرده باشد. نظریه اینکه خواهان این مساله را عنوان کرده که آیا اصلا" موافقت بانک مرکزی خواسته شده یانه ، لذا بانکهای خواننده بار اثبات این مطلب را برعهده دارند که آنان ، همانطور که طبق مقررات موظف بودند ، در واقع چنین موافقتی را خواستار شده اند. رجوع شود به :

بنجامین آر. ایسایا و بانک ملت، حکم شماره ۲ - ۲۱۹ - ۳۵، ص ۱۴
(انگلیسی) (۳۰ مارس ۱۹۸۳/۱۰ فروردین ماه ۱۳۶۲)
reprinted in 2 Iran- U.S. C.T.R. 232, 239.

لکن بانکها به کسب چنین مجوزی اقدام نکرده اند و لذا باید چنین تلقی کرد که بانک تجارت و بانک ملت تعهد خود مبنی بر کسب مجوز از بانک مرکزی را نقض کرده و وجوه را خلاف قانون، نزد خود نگه داشته اند. بنابراین، بانک تجارت و بانک ملت متعهدند بترتیب مبلغ ۹۹۰ دلار و مبلغ ۱۳۱،۰۳۷ دلار، به خواهان بپردازند.

در رابطه با حسابهای ریالی، دیوان چنین نتیجه می‌گیرد که هیچگونه تقاضائی برای اینکه بتوان ادعای مطروح بابت موجودی حسابها را پابرجا شناخت در مورد آنها صورت نگرفته است. خواهان معترف است که هیچگونه تقاضائی برای انتقال مانده حسابهای ریالی به دلار، به عمل نیامده است. معذک، نامبرده اظهار می‌دارد که با توجه به خودداری بانکها از پرداخت از حساب دلاری، انتظار نمی‌رفت که هرگونه انتقال از حسابهای ریالی به صورت ارز، اجازه داده شود و لذا وی به این نتیجه رسید که دیگر هرگونه درخواستی نسبت به حسابهای ریالی بی‌نتیجه خواهد بود. در این رابطه، اولاً "خاطر نشان می‌سازد که طبق اظهار خواهان، نامبرده اولین بار در دوم آوریل ۱۹۷۹ (۱۳ فروردین ماه ۱۳۵۸) از خودداری بانک ملت و در سوم ژوئیه ۱۹۷۹ (۱۲ تیرماه ۱۳۵۸) از امتناع بانک تجارت از پرداخت (وجه از حساب) اطلاع حاصل کرد. اقدامات خواهان نسبت به برداشت از وجوه حساب دلاری و امتناع بانکها (از پرداخت وجه) از تاریخ ۲۳ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۳ دیماه ۱۳۵۸) تا مارس ۱۹۸۰ ادامه داشت. با توجه به اینکه آخرین قرارداد طی نامه ۲۴ فوریه ۱۹۷۹ (۵ اسفندماه ۱۳۵۷) ایزایران لغو شد، و بعلاوه بادر نظر گرفتن اینکه

ظرف چنین مدت قابل توجهی شرایط تقاضای دریافت وجه از حسابهای دلاری، مورد تصدیق خود خواهان بوده ، دیوان دلیلی نمی یابد که این شرط کلی برای پابرجا شناخته شدن ادعاهای وجوه بانکی ، حداقل یکبار در مورد حسابهای ریالی نیز رعایت نشده باشد. ثانیاً " خواهان ثابت نکرده است که در آنموقع تقاضای برای برداشت ریال از این حسابها به عمل آمده ، در حالیکه مدعی است تا پس از تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۷۹ (۵ اسفندماه ۱۳۵۷) نیز ، فیالمثل برای پرداخت هزینه بازخرید خدمت کارکنان محلی اش در ایران ، وجوه ریالی مصرف کرده است . بنابراین ، از آنجاکه ادعای مطروح بابت معادل دلاری مانده حسابهای ریالی در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) پابرجا نبوده ، لذا مردود شناخته می شود.

و و) سلب ملکیت از ائاثه و وسایل اداری

خواهان اظهار می دارد که در اول آوریل ۱۹۷۹ (۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸) یا در آن حدود ، ائاثه و وسایل دفتر سی اس سی آی در تهران مصادره شد. نامبرده می گوید که نمایندگان کمیته انقلاب ایران وارد دفتر شده و کلیه کارکنان سی اس سی آی را وادار به ترک محل کرده و دستور دادند که چیزی از شرکت بیرون برده نشود. خواهان مضافاً " می گوید که از آن به بعد سی اس سی آی از دسترسی به دفتر خود ممنوع گردید. خواهان بابت ارزش خالص دفتری ائاثه و وسایلی که در دفتر به جای گذاشته ، مبلغ ۲۴،۳۹۷ دلار بعنوان غرامت ، از دولت ایران مطالبه می کند.

دولت ایران غیر از ایراد کلی عدم توجه هرگونه دعوائی به وی، بطور

مشخص پاسخی به این ادعای سلب مالکیت فوق نداده است. معذک، ایزایران منکر آنست که کنترل اموال دفتر سی اس سی آی را در اختیار داشته، و یا نامبرده یا هرخواننده دیگری اموال را تصرف یا مصادره کرده است. ایزایران همچنین گفته است که خواهان دلیل ومدرکی حاکی از تحویل این اموال به نماینده دولت، ارائه نکرده است.

خواهان سوگندنامه‌ای از ذیحساب وقت سی اس سی آی در ایران تسلیم نموده که ضمن آن نامبرده شهادت داده که وی در آوریل ۱۹۷۹ هنگامی که نمایندگان کمیته انقلاب وارد شرکت شده و به کارکنان دستور دادند محل را ترک کنند و چیزی را از دفتر خارج نسازند، در دفتری سی اس سی آی در تهران حضور داشته است. این مدرک مورد ایراد واقع نشده و دیوان متقاعد شده است که سی اس سی آی بدین ترتیب از استفاده از اژا شاه و وسایل اداری، و سپس از دسترسی به آنها ممنوع شده است. همانطور که دیوان قبلاً" رای داده "تصرف یکجانبه اموال و منع استفاده از آن توسط مالکان ذیحق، می‌تواند حتی بدون تصویب نامه رسمی در خصوص مالکیت اموال، مصادره تلقی شود". رجوع شود به: دیمز اند مور و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، حکم شماره ۳ - ۵۴ - ۹۷ ص ۱۸ (۲۰ دسامبر ۲۹/۱۹۸۳ آذرماه ۱۳۶۲)، reprinted in 4 Iran- U.S. C.T.R. 212,223.

مداخله در استفاده از اژا شاه و وسایل اداری سی اس سی آی که بموجب واقعیات مطروح در پرونده حاضر احراز گردیده، در حکم سلب مالکیت است.

آخرین مساله‌ای که باقی می‌ماند اینست که آیا دولت ایران مسئول این سلب مالکیت است یا خیر؟ دیوان داوری در پرونده ویلیام ال. پریرا

اسوشییتس ایران و جمهوری اسلامی ایران حکم شماره
۳ - ۱ - ۱۱۶ ص ۴۳ (انگلیسی) (۱۹ مارس ۱۹۸۴/۲۹ اسفندماه ۱۳۶۲)
reprinted in 5 Iran- U.S. C.T.R. 198, 227 .

نظر داده است که طبق حقوق بین الملل عمومی ، دولت ایران را باید مسئول
مصادره‌های شناخت که توسط پاسداران انقلاب صورت گرفته است
همین امر در مورد اعمال و اقدامات نمایندگان کمیته انقلاب
در پرونده حاضر نیز ، صادق است . بنابراین ، خواهان استحقاق دارد
معادل ارزشی که ائاشه و وسایل اداری دفتری اس سی آی در تهران در اول آوریل
۱۹۷۹ داشته است از دولت ایران دریافت دارد . قیمت این ائاشه و وسایل
به ترتیبی که خواهان بر اساس ارزش خالص دفتری محاسبه نموده و مورد
اعتراض خوانده نیز واقع نشده ، ۲۴،۳۹۷ دلار است .

ز ز) بهره

این شعبه طی حکم صادره در پرونده سیلیوانیا تکنیکال سیستمز
اینکورپوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران ، حکم شماره
۱ - ۶۴ - ۱۸۰ (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵ / ۶ تیرماه ۱۳۶۴) ، قصد خود را
مبنی بر ابداع و اعمال روش یکسانی در صدور حکم بهره در پرونده‌های
مطروح نزد خود ، اعلام داشت . در صورت عدم تصریح نرخ بهره در قرارداد ،
خط مشی دیوان این است که نرخ بهره را بر مبنای مبلغی محاسبه کند
که محکوم له ، چنانچه محکوم به را در اختیار می‌داشت ، از طریق نوعی
سرمایه‌گذاری تجاری متداول در کشور خود ، می‌توانست به آن میزان
منتفع شود . سپرده‌های شش ماهه در ایالات متحده یک چنین نوع

سرمایه‌گذاری است که متوسط نرخ بهره آنها را می‌توان از منابع رسمی و موشق به دست آورد.

در خود پرونده سیلوانیا ، دیوان از نرخ بهره‌ای تقریباً " برابر نرخ متوسط سپرده‌های شش ماهه برای مدت مربوط به آن پرونده ، که از حوالی سال ۱۹۷۹ الی ۱۹۸۴ ادامه داشت ، استفاده کرد. نرخ مورد استفاده ۱۲ درصد بود. در پرونده حاضر مدتهای ذیربط برای ادعاهای مختلف در مواقع متفاوتی در طول سالهای ۱۹۷۶ ، ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ شروع شده‌اند. لذا، دیوان از نرخهای متفاوتی برای هر یک از ادعاها استفاده می‌کند. برای تسهیل کار محاسبه بهره ، دیوان ابتدا بهره هر یک از مبالغ مورد حکم را از تاریخ بوجود آمدن ادعای مربوط تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۰ دیماه ۱۳۵۸) با استفاده از نرخ بهره مربوط به هر دوره ، محاسبه کرده است. سپس دیوان نرخ بهره واحدی نسبت به اصل مبلغ هر ادعا از تاریخ اول ژانویه ۱۹۸۰ (۱۱ دیماه ۱۳۵۸) تا تاریخ این حکم ، اعمال نموده است. از آنجا که این مدت کمی دیرتر آغاز و دیرتر پایان یافته، زیرا حکم حاضر ماهها پس از حکم پرونده سیلوانیا صادر می‌شود، لذا نرخ مورد استفاده در اینجا باید منعکس‌کننده تغییراتی باشد که نرخ بهره از آن زمان تا بحال داشته است. متوسط نرخ بهره‌ای که از آغاز سال ۱۹۸۰ تا تاریخ این حکم به سپرده‌های شش ماهه تعلق می‌گرفته حدود ۱۱/۵ درصد بوده و دیوان نیز همین نرخ را برای آن مدت اعمال می‌کند. (۸)

(۸) دیوان داوری آخرین نرخ منتشره‌ای را که در اختیار داشته مورد استفاده قرار داده و نرخ بهره مورد حکم را تا ۱/۴ درصد بصورت اضافی یا نقصانی تعدیل کرده است.

۲ - ادعاهای متقابل

الف) استرداد مبالغ پرداخت شده

همانطور که گفته شد ، در جلسه استماع پرونده حاضر ، ایزایران تقاضای خود را جهت استرداد مبلغ ۲۷،۷۷۱،۱۲۸ دلار ، که حساب ادعا ، طبق قراردادهای به سی اس سی و سی اس سی و سی اس آی اضافه پرداخت کرده بود ، تجدید نمود . ایزایران در محاسبه اضافه پرداختهای ادعائی اش ، خود اظهار داشته که غیر از یک رقم ۱۱،۹۴۷ دلار ، کلیه پرداختهای که به گفته وی طبق قراردادهای به عمل آمده ، پیش از ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) که همان تاریخ موافقت نامه حل و فصل است ، صورت گرفته است . بنابراین ، بر اساس اظهار خود ایزایران ، قسمت عمده این ادعای متقابل به موجب ماده چهار موافقت نامه حل و فصل ۱۹۷۸ ، ممنوع الطرح است . در قسمت ذیربط ماده فوق قید شده است :

"به مجرد امضای این موافقت نامه ، ایزایران سی اس سی اس آی و سی اس سی و سی اس سی . . . را از کلیه ادعاهای یا اسباب دعاوی ناشی از انجام هر یک از خدمات ارائه شده توسط سی اس سی اس آی و فیما بین ایزایران و سی اس سی ، اعم از کتبی و غیره ، که در هر زمانی پیش از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) بوجود آمده باشد ، مبری و بری الذمه می شناسد ."

نماینده ایزایران در جلسه رسیدگی مقدماتی که در پرونده حاضر برگزار شد ، اظهار داشت که درخواست استرداد پرداختهای ایزایران فقط "در مقام دفاع مطرح شده ، نه بعنوان ادعای متقابل ، و فقط در صورتی که دیوان موافقت نامه حل و فصل را ملغی شده بداند ، مناسبت پیدا می کند . از طرف دیگر ، چنانچه موافقت نامه حل و فصل هنوز معتبر باشد . . . قید ابراء و ترک دعاوی مندرج در موافقت نامه ، تقاضای استرداد پرداختها را ممنوع ساخته ."

خواهان در جلسه استماع هیچگونه اعتراضی به درخواست مجدد ایزایران برای استرداد اضافه پرداخت ادعائی، نکرد. بنابراین، از آنجاکه خواهان بطور کامل راجع به موضوع بحث و استدلال کرده، دیوان به ماهیت ادعای متقابل در رابطه با ۱۱،۹۴۷ دلار پرداختی پس از تاریخ موافقت نامه حل و فصل می پردازد. این بخش از ادعای متقابل نیز باید مردود شناخته شود. ایزایران، در محاسبه اضافه پرداخت ادعائی، صورت حسابهای را که از طریق "پرداختهای تخصیص یافته، تاء دیده می شده، در جمع کل صورت حسابهای خواهان منظور نکرده، بلکه سایر مطالب پرداختی را از صورت حسابها کسر کرده است. پرداختهای تخصیص یافته، پرداختهایی بود که مشخصاً "بـــــــــــــــــ" صورت حسابهای معینی تعلق می گرفت. با افزودن مبلغ این صورت حسابها به مبالغی که ایزایران در محاسبه منظور کرده، هرگونه اضافه مبالغه پرداختی منتفی می شود.

ب (خسارات نقض قرارداد ۱۹۷۲)

صنایع هواپیمائی، ادعای متقابلی به میزان ۴،۶۰۰،۰۰۰ دلار بابت "غرامت خسارات متحمل" توسط وی، به اضافه بهره مطرح کرده است. نامبرده در تائید ادعای متقابل مزبور اظهار می دارد که خدمات خواهان از نظر مشتریان صنایع هواپیمائی ناقص و غیرقابل قبول بوده و بدینجهت بسیاری از مشتریان اعلام کرده اند که قصد دارند علیـــــــــه وی اقدام دعوی کنند. در جلسه استماع مقدماتی، نماینده صنایع هواپیمائی تاء بید کرد که هیچگونه "اقدام رسمی" به عمل نیآمده است. بعـــــــــــــــــلاوه، صنایع هواپیمایی نگفته است که به علت تهدید ادعائی به اقدام دعوی واقعا "متحمل هرگونه خسارتی شده است. بنابراین، ادعای متقابل صنایع هواپیمائی خارج از حیطه صلاحیت دیوان است، زیرا طبق اظهار

خود صنایع هواپیمائی ، هیچگونه زیان و خسارتی ، قبل از تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) وارد نشده است .

ماده چهار موافقت نامه حل و فصل ۱۹۷۸ نیز طرح ادعای متقابل صنایع هواپیمائی را ممنوع ساخته است . ایزایران از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۷۵ (اول فروردین ماه ۱۳۵۴) قائم مقام صنایع هواپیمائی بابت کلیه حقوق و تعهدات موضوع قرارداد ۱۹۷۲ گردید . همراه با این انتقال، هرگونه حق یا ادعای مربوط به عیب و نقص در اجرای قرارداد توسط سی اس سی اس آ آی نیز به ایزایران منتقل شد . همانطور که در بالا ، قسمت سوم -۲- الف) توضیح داده شد ، ایزایران بموجب موافقت نامه حل و فصل ۱۹۷۸ از هرگونه ادعائی که محتملا" در رابطه با قراردادها پیش از ۲۱ مارس ۱۹۷۸ (اول فروردین ماه ۱۳۵۷) وجود داشته ، صرف نظر کرده است .

ج (مالیاتها

وزارت دارائی جمهوری اسلامی ایران ادعای متقابلی به مبلغ ۱،۰۱۸۰،۴۲۱،۹۴۲ ریال بابت مالیاتهای که حسب ادعا به درآمد مکتسبه توسط سی اس سی اس آ آی از عملیاتش در ایران در طول سالهای مالی ۱۹۷۵ الی ۱۹۷۹ تعلق می گرفته ، " به اضافه خسارات ناشی از عدم پرداخت " ، مطرح ساخته است . وزارتخانه یاد شده اظهار می دارد که تبصره ۲ ماده ۸۱ قانون مالیاتهای مستقیم ایران شامل درآمدی می شود که سی اس سی اس آ آی در ایران کسب کرده و این درآمد به نرخهای مصرح در ماده ۱۳۴ قانون مزبور مشمول مالیات بوده است . وزارتخانه مزبور نسخ برگهای تشخیص مالیاتی مربوط به سالهای مالی ۱۹۷۵ الی ۱۹۷۹ (منتهی به ۳۱ مارس

۱۱/۱۹۷۹ فروردین ماه ۱۳۵۸) را ، همراه با یک برگ تشخیص نهائی مربوط به مالیات سال ۱۹۷۷ که برگ تشخیص اولیه آن مورد اعتراضی اس سی اس آی واقع شده بود ، ارائه کرده است .

در رابطه با صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای متقابل مالیاتی ، وزارت دارائی استدلال می کند که تعهد سی اس سی اس آی به پرداخت مالیات بردرآمد ، از شرایط ذیربط قراردادها ناشی می شود و سی اس سی اس آی این مطلب را با ادعای استرداد مالیاتهای که حساب اعا اضافه بر مالیاتهای مقرر در قرارداد پرداخته ، تصدیق کرده است . وزارتخانه یاد شده معتقد است که چون سی اس سی اس آی مالیاتها را در محاسبه کل قیمت قرارداد منظور کرده ، بنابراین لزومی به تاکید بر صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای مالیاتی نبوده و حکم صادره دیوان نباید زائد بر مبلغی که در صورت عدم بروز اختلاف به محکوم له تعلق می گرفت ، به وی بپردازد .

خواهان می گوید ادعای مالیاتی وزارت دارائی بابت مالیاتها باید بدلیل عدم صلاحیت دیوان ، و همچنین در ماهیت مردود شناخته شود .

خواهان اولاً " لایحه توجیهی عمومی جمهوری اسلامی ایران در تائید ادعاهای مبتنی بر مالیاتهای معوقه را مورد بحث قرار داده است . لایحه مزبور در ۲۴ آوریل ۱۹۸۵ (۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴) نزد دیوان به ثبت رسیده و نماینده رابط ایران درخواست کرده که " در هر پرونده ای که خودداری خواهان از پرداخت بدهیهای مالیاتی مورد بحث است " ، در نظر گرفته شود . گرچه به نظر خواهان ، هیچکدام از استدلالات مطروح در لایحه عمومی اساس و پایه ای ندارد ، با اینحال نامبرده استدلالات مطروح در لایحه را مبنی بر اینکه دیوان واجد صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابل مالیاتی مطروح توسط خواندگان ایرانی است ، اعم

از اینکه مشخصاً "بعنوان ادعای متقابل بدانها رسیدگی شود یا نه" ، مورد بحث و بررسی قرار داده است . بالنتیجه ، دیوان نیز در پرونده حاضر ، به استدلال مطروح در لایحه توجیهی عمومی و پاسخهای خواهان بدان رسیدگی می‌نماید .

اولین استدلالی که دولت ایران در لایحه توجیهی عمومی اقامه می‌کند اینست که طبق حقوق بین الملل ، هرگونه بدهی مالیاتی معوقه خواهان به دولت خواننده ، صرفاً "عاملی است که در محاسبه خسارات پرداختی به خواهان باید مدنظر قرارگیرد ، و این قبیل مالیاتها باید از خسارات وارده بر اثر عمل خلاف آن دولت کسر شود ، زیرا خسارت اعطائی طبق حقوق بین الملل نباید بیش از میزان صدمه متحمله باشد ، بنحوی که موجب دارا شدن بلاجهت طرف خاسر گردد . طبق این استدلال ، موضوع بدهی مالیاتی خواهان مساله‌ای است در قلمرو قانون ماهوی و نه صلاحیت دیوان .

خواهان به این فرضیه ایرادی ندارد که خسارات قابل اعطاء بموجب حکم بابت نقض قرارداد ، باید مساوی مبلغی باشد که در صورت عدم نقض قرارداد ، طبق قرارداد عاید می‌شد . در تعیین این مبلغ ، لازم است هم مبلغ قابل پرداخت به طرف خاسر به موجب قرارداد ، و هم هرگونه بدهی طرف یادشده به طرف متخلف ، که بخش اساسی خسارت را تشکیل می‌دهد ، مدنظر قرار گیرد . اختلاف نظر در اینجا است که "بدهیهای ذیربط" که باید از خسارات کسر شوند ، کدامند؟ گرچه در لایحه توجیهی عمومی استدلال شده که هرگونه بدهی از جانب طرف خاسر به طرف متخلف ، باید مدنظر قرار گیرد ، خواهان اظهار می‌دارد فقط آن دسته از دیونی که بر اثر اجرای تعهد نقض شده ایجاد می‌شد ، موثر در مبلغ

خسارت است و بدهیهای مالیاتی در حکم چنین "دیون متقابلی" نیست. هم خواهان و هم دولت ایران در لایحه توجیهی عمومی خود، اظهار می‌دارند که رویه دولتها و آرای صادره توسط دادگاهها و دیوانهای بین‌المللی مؤید فرضی است که هریک از ایشان اتخاذ کرده است.

در پرونده حاضر دیوان لزومی به تعیین این موضوع نمی‌بیند که در حقوق بین‌الملل عمومی قاعده کلی در مورد خسارات و "بدهیهای متقابل چیست؟" (۹) در رابطه با مالیاتها، دیوان از حکم صادره خویش در پرونده تی. سی. اس. بی. اینکورپوریتد و ایران، حکم شماره ۲ - ۱۴۰ - ۱۱۴، ص ۱۵ (انگلیسی) (۱۶ مارس ۱۹۸۴/۲۵ اسفندماه ۱۳۶۲) reprinted in 5 Iran- U.S. C.T.R. 160, 168.

متابعت می‌کند. در حکم مزبور دیوان مبلغ مالیات قراردادی دولت ایران را از پرداختهای قراردادی و لازم‌التادیه به خواهان کسر کرد، زیرا طرز عمل طرفین حاکی از آن بود که آنان توافق کرده بودند مبلغ این مالیاتها را از مبالغ پرداختی به موجب قرارداد، کسر کنند. معذا، در آن پرونده دیوان ادعای متقابل بابت مالیاتها را، غیر از مالیاتهای تکلیفی (withholding taxes) به دلیل فقد صلاحیت رد کرد، زیرا معتقد بود که مالیاتهای مزبور ناشی از اجرای قوانین مالیاتی ایران است. (۱۰) بدینسان، از

(۹) خاطرنشان می‌شود که در موارد سلب مالکیت مورد اشاره در لایحه توجیهی عمومی، مساله مورد بحث، محاسبه خسارات وارده در اثر نقض قرارداد نبوده، بلکه ارزیابی اموال گرفته شده، بوده است.

(۱۰) همین نتیجه در پرونده جنرال داینامیکس تلفن سیستمز سنتر اینکورپوریتد و سایرین و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲ - ۲۸۵ - ۱۹۲، ص ۲۵ (انگلیسی) (چهارم اکتبر ۱۲/۱۹۸۵ مهرماه ۱۳۶۴) و نیز در پرونده اینترنشنال تکنیکال پرادکس کورپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، حکم شماره ۳ - ۳۰۲ - ۱۹۶، ص ۲۹ (انگلیسی) (۲۸ اکتبر ۱۹۸۵/۶ آبانماه ۱۳۶۴) به دست آمد.

آنجا که در قرارداد مورد بحث در پرونده حاضر قید نشده که مالیات راسا از مبالغ پرداختی به خواهان کسر خواهد شد، و از آنجا که نه صنایع هواپیمائی و نه ایزایران در واقع خود چنین مالیاتهای رازاءسا^۱ از پرداختها کسر نکردند، بنابراین مالیات بردرآمد مورد تقاضا در ادعای متقابل وزارت دارائی از خسارات اعطائی در حکم به نفع خواهان، طبق این قراردادها قابل کسر نیست. (۱۱)

دومین استدلالی که در لایحه توجیهی عمومی مطرح شده اینست که ادعای متقابل بابت مالیاتهای معوقه باید بعنوان درخواست تها تر در مقابل خسارات مورد ادعا تلقی شود، و از آنجا که "حاوی واقعیات است که به منظور دفاع مطرح گردیده"، لذا تابع شرایط مندرج در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی جهت ادعاهای متقابل نیست. دولت ایران حق تها تر را بیک اصل کلی که "مورد قبول کلیه نظامهای حقوقی جدید" است، شناخته و اجرای آن توسط دیوان را به ویژه به موجب بند ۳ ماده ۱۹ قواعد دیوان مجاز و موجه می داند. در قسمت ذیربط این بند چنین مقرر شده:

"خواننده می تواند ... ادعای متقابلی را مطرح نموده و یا به منظور پایا پای کردن دعاوی به ادعائی استناد نماید، مشروط بر آنکه چنین ادعای متقابل یا تها ترا دعای طبق بیانیه حل و فصل دعاوی مجاز باشد".

(۱۱) به نظر می رسد که ایزایران و وزارت دارائی به مقررات متفاوتی از قانون مالیاتهای مستقیم که بدهی های مالیاتی ادعائی خواهان مشمول آنست استناد می کنند. گرچه وجه مشترک این مقررات اینست که کسر مالیات تکلیفی (withholding taxes) را مقرر میدارند، با اینحال چنین مالیاتهای در واقع کسر نشده و خواهان طبق شرایط دیگری از قانون مالیاتهای مستقیم اظهارنامه مالیاتی تسلیم کرده، که در آن موقع مورد ایراد و اعتراض واقع نشده است.

دولت ایران در تائید استدلال خود مبنی بر اینکه لزومی ندارد که ادعای تهاثر طبق شرط ناظر بر ادعای متقابل ، از همان قرارداد ، معامله یا رویدادی که موضوع ادعا را تشکیل می دهد ، ناشی شود ، به قسرار صادره توسط دیوان در پرونده اوئنز - کورنینگ فایبرگلاس کورپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین ، قرار اعدادی شماره ۲-۱۱۳-۱۸ ص ۴ - ۳ (۱۳ مه ۲۳/۱۹۸۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲)

reprinted in 2 Iran- U.S. C.T.R. 322, 324,

اشاره می نماید که ضمن آن شعبه دو چنین نظر داده است :

"... حق الامتیازی که (خواهان) استحقاق دریافت آنرا داشت ، مشمول مالیات بردرآمد بود. بنابراین ، مساله میزان مالیاتی که احتمالاً به حق الامتیاز پرداخت نشده تعلق می گیرد ، الزاماً " بعنوان مبلغی که باید با حق الامتیاز قابل پرداخت پایا پای شود ، مطرح می گردد ، ولو اینکه طرح دعوی متقابل برای دریافت این مبالغ مجاز نباشد . "

خواهان استدلال می کند که دیون مشمول حقوق عمومی را نمی توان با مطالبات مشمول حقوق خصوصی پایا پای کرد. به نظر خواهان حتی اگر طرح ادعای متقابل مالیاتی به عنوان ادعای تهاثر قابل توجیه باشد ، از بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی پیداست که چنین تهاثری تابع همان ضوابط صلاحیتی است که ادعای متقابل مشمول آنست . بنا به اظهار خواهان ، بند ۳ ماده ۱۹ قواعد دیوان ، محدودیت های صلاحیتی یکسانی را در مورد طرح ادعاهای متقابل و ادعاهای تهاثر ، قائل شده است .

نظر دیوان آنست که تا آنجا که به صلاحیت وی مربوط می شود ، ادعاهای تهاثر عموماً " تابع همان ضوابطی است که ادعاهای متقابل تابع آنند . مفهوم تهاثر الزاماً " متضمن فرض وجود ادعائی است که بتوان برای

چنین تهاتری از آن استفاده کرد. هنگامی که خواننده‌ای متقاضی پایاپای کردن مالیاتهای معوقه ادعائی با ادعاهای قراردادی است فقط در صورتی می‌تواند از حق ادعائی خود نسبت به پرداخت مالیاتها برای تهاتسر استفاده کند که این حق، ادعای قابل طرحی طبق بیانیه حل و فصل دعاوی باشد. همانطور که در دیوان عمومی در پرونده شماره الف/۲ - تصمیم شماره ۱ - الف/۲ دیوان عمومی (۱۳ ژانویه ۱۹۸۲/۲۳ دیمه ۱۳۶۰) نظر داد، بیانیه حل و فصل دعاوی، صلاحیت رسیدگی به دعاوی مطروح علیه اتباع دولت هر طرف را به دیوان تفویض نکرده، مگر آنکه این قبیل دعاوی بعنوان ادعای متقابل مطرح شوند. بنا بر این فقط در صورتی می‌توان از ادعاهای مالیاتی استفاده کرد که شرایط ادعاهای متقابل را که در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل عمومی مقرر گردیده، احراز کنند. موید این نتیجه‌گیری، مفاد بند ۳ ماده ۱۹ قواعد دیوان است که مقرر می‌دارد:

"خواننده می‌تواند... ادعای متقابلی را مطرح نموده و یا به منظور پایاپای کردن دعاوی به ادعائی استناد نماید، مشروط بر آنکه چنین ادعای متقابل یا تها ترا دعوا، طبق بیانیه حل و فصل دعاوی مجاز باشد". (خط تاکید اضافه شده است).

شرایط بیانیه حل و فصل دعاوی در مورد ادعاهای متقابل، صراحتاً "در این بند درج شده است. در بیانیه حل و فصل دعاوی صراحتاً "به تها تر اشاره نشده است. لیکن از مقایسه بند ۳ ماده ۱۹ قواعد آنسیترال با اصلاحیه بند فوق الذکر در قواعد دیوان روشن می‌شود که ادعاهای متقابل و ادعاهای تها تر تابع شرایط صلاحیتی یکسانی هستند. بند ۳ ماده ۱۹ قواعد آنسیترال مقرر می‌نماید که:

"خواننده می‌تواند... ادعای متقابلی که ناشی از همان قرارداد باشد اقامه، یا به دعوائی که ناشی از همان قرارداد باشد به منظور پایاپای کردن ادعای خود، استناد نماید".

از آنجا که شرح شرایط لازم برای ادعاهای قابل طرح در بیانیه حل و فصل دعاوی از شرح آن شرایط در قواعد آنسیترال متفاوت بود ، لذا این شرط برهمین اساس اصلاح شده است . بند ۳ ماده ۱۹ قواعد دیوان با جایگزین ساختن دو شرط مشابه مربوط به ادعاهای متقابل و ادعاهای تهاثر در قواعد آنسیترال با یک بار اشاره به آنها در بیانیه حل و فصل دعاوی ، روشن ساخته است که ادعاهای متقابل و ادعاهای تهاثر ، همانطور که در قواعد آنسیترال مقرر بوده ، هر دو تابع ضوابط صلاحیتی یکسانی هستند .

نتیجه گیری دیوان در پرونده اوئنز - کورنینگ فایبرگلاس کورپوریشن با این قاعده سازگار است . در آن پرونده دیوان نظر داد که خواهان طبق قرارداد استحقاق دارد حق الامتیاز را پس از کسر مالیات دریافت دارد و لذا مساله تهاثر مالیاتها با ادعای حق الامتیاز پرداخت نشده ، مطرح می گردید . تهاثر در آن وضعیت بدین معنی می بود که دیون ، یعنی مالیات هائی که طبق رویه طرفین از پرداختها (حق الامتیازها)ی قراردادی کسر می شد می بایست کسر شود ، در محاسبه منظور گردد . همانطور که در مورد سایر مالیات های تکلیفی تصمیم گرفته شده بود ، در پرونده اخیر دیوان نظر داد که این مالیاتها نیز باید از مبالغ مورد حکم بر مبنای ادعای قراردادی کسر شوند . معذک ، ادعاهای مالیاتی غیر از مالیات های تکلیفی ، تنها در صورتی می تواند در حیطه صلاحیت دیوان قرار گیرد که شرایط ادعاهای متقابل را احراز کنند .

وزارت دارائی اظهار می دارد که حتی اگر دیوان دیون مالیاتی معوقه ادعائی خواهان را با کسر آن از مبالغ مورد حکم بعنوان خسارت

قرارداد ، و یا بوسیله پایاپای کردن آن دیوان با این گونه مبالغ در محاسبه منظور نکند ، ادعای دیون مالیاتی معوقه بعنوان ادعای متقابل قابل طرح است ، زیرا شرایط بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی را احراز می‌کند. وزارتخانه یاد شده می‌گوید که ادعای متقابل از قراردادها ناشی می‌شود ، زیرا در محاسبه قیمت قرارداد ، مالیاتها منظور گردیده و بعلاوه قراردادها حاوی قیود استرداد مالیات است که خواهان ادعای مالیات اضافی خود را برآن مبتنی ساخته است. در لایحه توجیهی عمومی به تفصیل در این خصوص بحث شده که چرا چنین ادعای متقابلی ناشی از اجرائی قوانین مالیاتی ایران نبوده ، بلکه "ناشی از همان قرارداد... ی است که موضوع ادعا (ی قرارداد) خواهان) را تشکیل می‌دهد". خواهان با این نظر مخالف است .

دیوان در تعدادی از پرونده‌ها نظر داده که تعهد پرداخت مالیاتها غیر از مالیاتهای که راسا " از درآمد کسر و مشخصا " در قرارداد طرفین مقرر شده باشد ، حتی در مواردی که در قرارداد تعیین شود که کدام طرف مسئول پرداخت مالیاتهاست ، از قوانین مالیاتی ایران ناشی می‌شود و نه از خود قرارداد. بالنتیجه ، دیوان ادعاهای متقابل مالیاتی را غیر از ادعاهای متقابل مربوط به مالیاتهای مکسوره از درآمد ، به دلیل فقد صلاحیت رد کرده است . رجوع شود به : اینترنشنال تکنیکال پرادکس کورپوریشن و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران ، حکم نهائی شماره ۳ - ۳۰۲ - ۱۹۶ ، ص ۲۹ (انگلیسی) (۲۸ اکتبر ۱۹۸۵/ ۶ آبانماه ۱۳۶۴) و آراء مورد اشاره در آن . دیوان داوری آراء مزبور را در پرونده حاضر نیز تائید نموده و نتیجه می‌گیرد که ادعای متقابل

مالیاتی وزارت دارائی از قراردادها ناشی نمی‌شود ، زیرا هیچیک از قراردادها صنایع هواپیمائی یا ایزایران را ملزم به کسر مالیات بردرآمد از مبالغ پرداختی ننموده است .

استدلال خواهان مبنی بر اینکه از ادعاهای مالیاتی مربوط به سال ۱۹۷۵ الی ۱۹۷۸ در موافقت نامه حل و فصل ۱۹۷۸ صرف نظر شده است ، فقط در صورتی معتبر است که مالیاتها طی یک ادعای متقابل قراردادی ، مورد مطالبه ایزایران (یا صنایع هواپیمائی) باشد . از آنجا که ادعای متقابل وزارت دارائی از قراردادها ناشی نمی‌شود ، لذا موافقت نامه حل و فصل نمی تواند براین ادعای متقابل تاثیر گذارد .

معدلک ، در پرونده حاضر رساله در اینجا خاتمه نمی‌یابد . خواهان در دادخواست خود از دیوان خواسته است که دیوان به مساله " رسیدگی نموده و اعلام نماید که بابت کلیه مالیاتهای متعلقه (طبق قراردادهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵) مفاصا حساب مالیاتی به سی اس سی داده شود" و از وزارت دارائی بعنوان خواننده این تقاضا نام برده است . (۱۲) بدینسان ، گرچه ادعای متقابل وزارت دارائی در پرونده حاضر از همان قرارداد ناشی نمی شود ، با اینحال از همان معامله یا پیش آمدی که موضوع ادعای اصلی خواهان برای مفاصا حساب مالیاتی بوده ، ناشی گردیده است : بدین معنی که خواهان خواستار صدور رایی است مبنی بر اینکه وی کلیه مالیاتهای متعلقه به فعالیتهای مولد درآمدش در ایران در طول سالهای معینی را ، پرداخته و وزارت دارائی با این امر مخالفت کرده و

(۱۲) در تقاضای دیگری برای "مفاصا حساب" مالیاتی بابت مالیاتهای متعلقه طبق قرارداد ۱۹۷۲ ، فقط از صنایع هواپیمائی بعنوان خواننده ، نام برده شده است . بنظر می‌رسد این تقاضا در اساس ، درخواستی بوده مبنی بر اعلام این مطلب که طبق قرارداد ۱۹۷۲ ، صنایع هواپیمائی ملزم است هرگونه مالیات دیگری را متقبل شود . رجوع شود به بخش سوم - ۱ - ب (ب ب) بالا .

پرداخت دیون مالیاتی معوقه مربوط به همان فعالیتها را مدعا لیه می‌کند.

خواهان از همان موقع، ادعای خود علیه وزارت دارائی را پس گرفته است. نامبرده در لایحه پیش از استماع خود که در اول مه ۱۹۸۵ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۴) به ثبت رسید، ذکر کرد که وی می‌تواند "مفاصاحساب مورد درخواستش را در رابطه با مالیاتهای پرداختی اضافی از صنایع هواپیمائی وایز ایران بگیرد" و "مفاصاحساب مالیاتی که بدوا" از (وزارت دارائی) درخواست شده، برای رسیدگی موثر و صحیح به موضوعات مطروح نزد دیوان غیر ضروری است". هنگامی که درخواست مورد بحث مسترد شد، وزارت دارائی ادعای متقابل مالیاتی‌اش را ثبت و تکمیل کرده بود.

گرچه خواهان اظهار می‌دارد که "نیازی نیست دیوان نسبت به وزارت دارائی احراز صلاحیت کند"، با این حال استدلال نکرده و نمی‌تواند استدلال کند که ادعای متقابل باید بر همین اساس رد شود. هنگامی که خواهان به صلاحیت دیوان نسبت به وزارت دارائی استناد کرد، وزارتخانه حق داشت ادعای متقابلی بیه ثبت رساند. "هرچند خواهان آزاد است که هر یک از ادعاها یا کلیه آنها را مسترد دارد ولی چنین استرداد نمی‌تواند هیچگونه تاثیری در صلاحیت دیوان نسبت به ادعاها یا متقابل داشته باشد، مگر آنکه دیوان رای دهد که صلاحیت رسیدگی به ادعاها را به نحوی که در اصل اقامه شده ندارد". بهرینگ اینترنشنال اینکورپوریتد و نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران و سایرین، قرار موقت و اعدادی شماره ۳ - ۳۸۲ - ۵۲، ص ۴۳ (۲۱ ژوئن ۱۹۸۵ / ۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۴).

معدک، در این پرونده دیوان فاقد صلاحیت رسیدگی به ادعای (درخواست) صدور مفاصاحساب مالیاتی بوده است. چنین ادعائی اساساً "درخواستی است مبنی بر اینکه دیوان قوانین مالیاتی دولت حاکمی را اجرا نماید، زیرا آنچه

مورد تقاضاست، اعلام نظر تعهدآوری است راجع به دیون مالیاتی خواهان . طبق ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی ، دیوان داوری مقید و مکلف است "قواعد حاکم بر انتخاب قانون و اصول حقوق بین الملل" را که ناظر بر پرونده تحت رسیدگی تشخیص می دهد ، اعمال نماید. این یک "قاعده پذیرفته شده عمومی است که حقوق عمومی را نمی توان خارج از مرزهای کشور مربوط اعمال کرد" (۱۳) قوانین مالیاتی از تجلیات حق حاکمیت juer imperii است که فقط در داخل مرزهای یک کشور قابل اجراست . علاوه بر این ، قوانین مربوط به درآمد نوعاً " بسیار غامض اند، به نحوی که اجرای آنها غالباً " به دادگاههای تخصصی یا سازمانهای اداری محول می شود. به همین دلایل ، دعاوی مربوط به اجرای قوانین مالیاتی عموماً " فقط در دادگاههای داخلی مربوطه قابل طرح هستند. از نظر مبحث حاضر ، چندان تفاوتی نمی کند که قاعده مورد بحث یک قاعده حقوق بین الملل عمومی تلقی شود یا حقوق بین الملل خصوصی . (۱۴) البته دولتها می توانند قاعده را به وسیله عهدنامه تغییر دهند، لیکن "با توجه به عرف مسلم و اعتقاد ریشه دار و عموماً " پذیرفته شده ای که در مورد غیر قابل اجرا بودن ادعاهای مشمول قلمرو حقوق عمومی jure imperii از نظر بین المللی وجود دارد ، قایل شدن هرگونه قید و شرط برای قاعده عرفی متضمن این فرض است که قصد قانونگذاران بین المللی به صریحترین وجه ممکن بیان شده

۱۳- F . A. Mann, Conflict of Laws and Public Law, 132 Recueil des Cours 107, 166 (1971). See also Dicey & Morris on the Conflict of Laws 90 (10th ed. 1980); F.A. Mann, Prerogative Rights of Foreign States and the Conflict of Laws, 40 Transactions of the Grotius Society 25, 28 (1955); Cheshire & North's Private International Law 131-134 (10th ed. 1979); A. von Mehren & D. Trautman, The Law of Multistate Problems 797 (1965).

۱۴- رجوع شود به: F.A. Mann, supra, 40 Transactions of the Grotius Society P.29.

است " (۱۵) در بیانیه حل و فصل دعاوی چنین عبارت صریحی مشاهده نمی‌شود و دیوان براین نظر است که قائل شدن چنین صراحتی از عقل و منطق بدور است. بنابراین، دیوان نسبت به ادعای درخواست مفاصا حساب مالیاتی صلاحیت ندارد.

از آنجاکه دیوان نسبت به ادعای مربوط به مفاصا حساب مالیاتی صلاحیت ندارد، لذا نسبت به ادعای متقابل وزارت دارائی که برآن ادعا مبتنی است نیز، فاقد صلاحیت است. و چون هیچگونه مبنای صلاحیتی دیگری برای ادعای متقابل وجود ندارد، لذا ادعای متقابل باید مردود شناخته شود.

د (حقوق بیمه اجتماعی)

ایزایران ادعای متقابلی بابت حقوق بیمه اجتماعی به مبلغ ۱،۳۲۴،۲۱۵،۶۵۲ ریال مطرح می‌سازد. وی مدعی است که چنین حق بیمه‌ای به حقوق کارکنان در رابطه با فعالیتهای خواهان و شرکتهای فرعی وی در ایران، تعلق می‌گیرد. نامبرده اظهار می‌دارد که خواهان طبق شرایط قراردادهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ متعهد به پرداخت چنین حق بیمه‌ای بوده‌است، و اگر دیوان ادعای متقابل ایزایران را تأیید نکند، در واقع نامبرده را ملزم می‌سازد که این حق بیمه را دوباره بپردازد، زیرا طبق ماده ۳۸ قانون تامین اجتماعی ایران نهایتاً " ایزایران مسئول پرداخت حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی خواهد بود. ایزایران در لایحه‌ای که پیش از جلسه استماع مورخ ۲۱ ژوئن ۱۹۸۵ (۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۴) به ثبت رساند همان استدلالاتی را که دولت ایران در مورد ادعاهای متقابل مالیاتی

در لایحه توجیهی عمومی خود ، که به تفصیل در بخش سوم - ۲ - ج) بالا بحث شد ، مطرح ساخته ، به نحو مختصرتری در رابطه با قابلیت طرح ادعای متقابل حاضر اقامه نموده است . ایزایران همچنین در لایحه خود برای اولین بار مینا و نحوه محاسبه مبلغ ۱،۳۲۴،۲۱۵،۶۵۳ ریالی را که اکنون مطالبه می‌کند به تفصیل شرح داد . این رقم از مبلغ ۷۲۵،۵۰۸،۶۳۴ ریالی که نامبرده در پاسخ به جوابیه خواهان ادعا نموده و مبتنی بر نامه مورخ ۱۶ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۶ دیماه ۱۳۶۰) سازمان بیمه‌های اجتماعی به وی بوده ، بمراتب بالاتر است . علاوه بر اصل مبلغ ، ایزایران روزانه مبلغ ۲۵۹،۰۸۶ ریال از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۸۵ (اول فروردین ماه ۱۳۶۴) تا تاریخ پرداخت اصل (بصورت خسارت تاخیر تاءدیه) می‌کند .

خواهان اظهار می‌دارد که ادعای متقابل مزبور باید به دلیل فقد صلاحیت رد شود ، زیرا از قراردادهائی که موضوع ادعاهای خواهان است ، ناشی نشده ، ایزایران اهلیت طرح این ادعای متقابل را ندارد ، و خود ادعا در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) پابرجا نبوده است . خواهان مضافاً " می‌گوید که ادعای متقابل به سه دلیل بی‌پایه و بی‌اساس است : اولاً " از قسمت اعظم آن طی موافقت نامه حل و فصل ۱۹۷۸ صرفنظر شده ، ثانیاً " هیچگونه دلیل و مدرک معتبری در تائید آن ارائه نشده و ثالثاً " ایزایران ادعای اثبات نکرده که متحمل خسارتی شده است .

دیوان برای تعیین این مطلب که نسبت به این ادعای متقابل صلاحیت دارد یا خیر ، در وهله اول شرایط ذیربط قرارداد را مورد توجه قرار می‌دهد . در قسمت ذیربط ماده ۳ قرارداد ۱۹۷۴ قید شده که " قیمت ناخالص هر پیوست ، شامل حق بیمه سازمان بیمه‌های اجتماعی متعلقه به

حقوق کارکنان خواهد بود". بند ه ماده سه قرارداد ۱۹۷۵ مقرر می نماید که "پرداختها مشمول کسر حق بیمه و تامین اجتماعی به شرح مندرج در ماده بیست و یک این سند خواهد بود". و در ماده یاد شده تصریح شده است که :

"(سی اس سی اس آی) کلیه مفاد قانون و مقررات بیمه های اجتماعی را در مورد کارکنان (سی اس سی اس آی) که خدماتی طبق این قرارداد انجام می دهند رعایت خواهد کرد. (سی اس سی اس آی) بابت هرگونه مبلغی که ممکن است ایزایران ، به علت عدم رعایت قانون و مقررات بیمه های اجتماعی (توسط سی اس سی اس آی) متعهد به تادیه آن باشد ، به نامبرده غرامت خواهد پرداخت ."

طبق قرارداد ۱۹۷۴ ، سی اس سی اس آی میبایست حق بیمه اجتماعی را بپردازد. معذک ، شرط ناظر بر پرداخت از نوعی است که بار اقتصادی پرداخت چنین حق بیمه ای را تخصیص می دهد ، نه اینکه تعهد پرداخت را ایجاد کند. بدین طریق ، در رابطه با قرارداد ۱۹۷۴ ، تعهد ادعائی پرداخت حق بیمه اجتماعی با اجرای قانون ذیربط تامین اجتماعی ایران ، ایجاد می شود. همانطور که دیوان قبلا" در رابطه با حقوق بیمه اجتماعی نظر داده ، هرگونه تعهدی از این دست "رابطه ای حقوقی است که از شمول قانون بر وضعیت که هریک از طرفین منفردا" در آن قرار می گیرند ، ناشی می شود ، و نه از نفس یک رابطه قراردادی فیما بین طرفین ". رجوع شونده : کوئستک اینکوپوریتد و وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران ، حکم شماره ۱ - ۵۹ - ۱۹۱ ، صفحه ۴۱ - ۴۰ (۲۵ سپتامبر ۳/۱۹۸۵ مهرماه ۱۳۶۴) ، و آرای مورد اشاره در آن .

مفاد قرارداد ۱۹۷۵ از این نظر مبهم است. گوا اینکه ماده سه ایز ایران را مجاز می سازد که به شرح مقرر در ماده بیست و یک، حق بیمه اجتماعی را کسر کند، با اینحال ماده بیست و یک متضمن هیچگونه کسر حق بیمه ای نیست، بلکه سی اس سی اس آی را ملزم به رعایت قوانین ایران می نماید. معذک، با توجه به نتیجه گیری دیوان در مورد اهلیت ایزایران در مورد طرح ادعای متقابل بابت حق بیمه های اجتماعی، دیوان لزومی به رسیدگی به این مساله نمی بیند که آیا قیود قراردادی تواما" به قدر کافی روشن هستند که بتوان چنین ادعای متقابلی را ناشی از قرارداد ۱۹۷۵ دانست یا خیر؟

ایز ایران در لوایح تسلیمی خویش به صراحت تام اظهار داشته که وی ادعای متقابل بابت حق بیمه اجتماعی را، نه از جانب سازمان تامین اجتماعی ایران، بلکه اصالتاً " مطرح ساخته است. نامبرده بر "حقانیت خویش (ایزایران) در مطالبه حق بیمه اجتماعی"، بعلت "وجود روابط قراردادی و مسئولیت مشترک براساس ماده ۳۸ قانون تامین اجتماعی"، که "ایزایران را مجاز به طرح این ادعای متقابل ساخته" تاکید می کند، زیرا که "خواهان متقابل" (ایزایران)، طبق ماده ۳۸ قانون بیمه اجتماعی ملزم به مطالبه این مبلغ و پرداخت آن به صندوق بیمه اجتماعی بوده است" (خطوط تاکید اضافه شده است). قسمت ذیربط ماده ۳۸ قانون تامین اجتماعی، که ایزایران برای اثبات اهلیت خویش اساساً " بدان استناد می کند، چنین است:

"هرگاه کارفرما آخرین قسط مقاطعه کار را بدون مطالبه مفاصاحساب سازمان بپردازد مسئول پرداخت حق بیمه مقرر و خسارات مربوط خواهد بود و حق دارد وجوهی را که از این بابت به سازمان پرداخته است از مقاطعه کار مطالبه و وصول نماید".

از لوایح تسلیمی خود ایزایران پیداست که وی ، چه قبل از تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) و چه تا این تاریخ ، هیچگونه حق بیمه اجتماعی نپرداخته است. (۱۶) بدینسان ، ادعای متقابل ایزایران بابت حق بیمه اجتماعی، در مفهوم بند ۱ ماده دویانیه حل و فصل دعاوی ، پابرجا نبوده و لذا دیوان صلاحیت رسیدگی به آنرا ندارد.

باتوجه به این نتیجه گیری ، دیوان لزومی به رسیدگی به این مساله نمی بیند که آیا افزایش مبلغ مورد تقاضا بابت این ادعای متقابل مجاز است یا خیر.

۳ - هزینه ها

خواهان بازپرداخت مبلغ ۲۹۹،۹۳۶/۸۲ دلار بابت حق الوکاله و ۴۸،۰۱۳/۲۷ دلار مخارج نقدی به اضافه بهره متعلقه را مطالبه می کند. این مبالغ شامل ۳۵،۱۷۰ دلار حق الوکاله و ۵،۸۸۰/۹۰ دلار مخارج نقدی پرداختی جهت دادخواهی در ایالات متحده "پیش از تعلیق کلیه رسیدگیهای قضائی در ایالات متحده و تاسیس دیوان داوری در لاهه" است .

(۱۶) خواهان بعنوان مدرک ، رای صادره توسط دادگاه عمومی تهران به تاریخ دوم اکتبر ۱۹۸۲ (۱۰ مهرماه ۱۳۶۱) را که قبلاً" توسط قائم مقام نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران در پرونده های دیگر مطروح در دیوان به ثبت رسیده ، تسلیم داشته است . در رای مزبور نظر داده شده که "ادعا ... بابت حق بیمه و خسارت تاخیر تادیه حق بیمه سازمان تامین اجتماعی و عدم ارسال لیست پس از پرداخت (مبالغ ذیربط) قابل مطالبه است ." . بالنتیجه از آنجا که عملاً" هیچگونه پرداختی صورت نگرفته بود، این قبیل دعاوی مردود شناخته شدند .

دیوان ، همانطور که قبلاً" رای داده ، براین نظراست که هزینه‌های متحمل‌ه توسط خواهان در جریان دادخواهی در ایالات متحده درحیطه شمول ماده ۳۸ قواعد دیوان قرار نمی‌گیرند. باتوجه به ضوابط مندرج در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینکورپوریتدو دولت جمهوری اسلامی ایران ، حکم شماره ۱ - ۶۴ - ۱۸۰ ، صفحات ۳۵ تا ۳۸ (انگلیسی) (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵/۶ تیرماه ۱۳۶۴) و بادر نظرگرفتن نتیجه قرار اعدادی صادره در پرونده حاضر و نیز واقعیات و موضوعات حقوقی این پرونده ، دیوان نتیجه می‌گیرد که رقم ۴۰،۰۰۰ دلار مبلغ معقولی است که خواندگان باید بابت هزینه‌های داوری خواهان بپردازند.

چهارم - حکم

به دلایل پیش‌گفته ،

دیوان داوری به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

خوانده ، ایزایران متعهد است مبلغ ده میلیون و نهصد و هفتاد و یک هزار و نهصد و پنجاه و سه دلار آمریکا (۱۰،۹۷۱،۹۵۳ دلار) شامل ۹،۷۱۱،۵۳۳ دلار اصل مبلغ حکم ، به‌اضافه ۱،۲۶۰،۴۲۰ دلار بهره ساده متعلقه به اصل مبلغ تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۰ دیماه ۱۳۵۸) ، به‌خواهان ، کامپیوتر ساینسز کورپوریشن بپردازد. خوانده ، ایزایران مضافاً " متعهد است بهره ساده‌ای به‌نرخ ۱۱/۵ درصد درسال (برمبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۹،۷۱۱،۵۳۳ دلار از تاریخ اول ژانویه ۱۹۸۰ (۱۱ دیماه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزارامانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به‌بانک امین بدهد ، به‌خواهان ، کامپیوتر ساینسز کورپوریشن بپردازد.

خواننده ، صنایع هواپیمائی ایران متعهد است مبلغ هفتصد و دوازده هزار و سیصد و دو دلار آمریکا (۷۱۲،۳۰۲ دلار) شامل ۵۵۵،۷۰۴ دلار اصل مبلغ حکم ، به اضافه ۱۵۶،۵۹۸ دلار بهره ساده متعلقه به اصل مبلغ تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۰ دی ماه ۱۳۵۸)، به خواهان، کامپیوتر ساینسز کورپوریشن بپردازد. بعلاوه، خواننده، صنایع هواپیمائی ایران متعهد است بهره ساده‌ای به نرخ ۱۱/۵ درصد در سال (بر مبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۵۵۵،۷۰۴ دلار ، از تاریخ اول ژانویه ۱۹۸۰ (۱۱ دیماه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین بدهد، به خواهان ، کامپیوتر ساینسز کورپوریشن بپردازد.

خواننده ، بانک ملت متعهد است مبلغ یکصد و چهل و دو هزار و پانصد و شانزده دلار آمریکا (۱۴۲،۵۱۶ دلار) شامل ۱۳۱،۰۳۷ دلار اصل مبلغ حکم به اضافه ۱۱،۴۷۹ دلار بهره متعلقه به اصل مبلغ تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۰ دیماه ۱۳۵۸) ، به خواهان ، کامپیوتر ساینسز کورپوریشن بپردازد. خواننده ، بانک ملت ، مضافاً " متعهد است بهره ساده‌ای به نرخ ۱۱/۵ درصد در سال (بر مبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۱۳۱،۰۳۷ دلار از تاریخ اول ژانویه ۱۹۸۰ (۱۱ دیماه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین بدهد، به خواهان ، کامپیوتر ساینسز کورپوریشن بپردازد.

خواننده ، بانک تجارت متعهد است مبلغ یک هزار و هفتصد و هفت

دلار آمریکا (۱،۷۰۷ دلار) شامل ۹۹۰ دلار اصل مبلغ حکم ، به اضافه ۸۷ دلار بهره ساده متعلقه به اصل مبلغ مذکور تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۰ دیمه ۱۳۵۸) ، به خواهان، کامپیوتر ساینسز کورپوریشن بپردازد. خواننده، بانک تجارت، مضافاً " متعهد است بهره ساده‌ای به نرخ ۱۱/۵ درصد در سال (بر مبنای ۳۶۵ روز) نسبت به اصل ۹۹۰ دلار، از تاریخ اول ژانویه ۱۹۸۰ (۱۱ دیمه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین بدهد، به خواهان ، کامپیوتر ساینسز کورپوریشن بپردازد.

خواننده ، دولت جمهوری اسلامی ایران متعهد است مبلغ بیست و شش هزار و پانصد و سی و چهار دلار آمریکا (۲۶،۵۳۴ دلار) شامل ۲۴،۳۹۷ دلار اصل مبلغ حکم به اضافه ۲،۱۳۷ دلار بهره ساده متعلقه به اصل مبلغ تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۰ دیمه ۱۳۵۸) ، به خواهان، کامپیوتر ساینسز کورپوریشن بپردازد. بعلاوه ، خواننده، دولت جمهوری اسلامی ایران متعهد است بهره ساده‌ای به نرخ ۱۱/۵ درصد در سال (بر مبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۲۴،۳۹۷ دلار ، از تاریخ اول ژانویه ۱۹۸۰ (۱۱ دیمه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین صادر کند، به خواهان، کامپیوتر ساینسز کورپوریشن بپردازد.

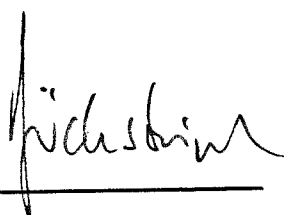
خوانندگان ، ایزایران ، صنایع هواپیمائی ایران ، بانک ملت ، بانک تجارت و دولت جمهوری اسلامی ایران متعهدند مبلغ ۴۰،۰۰۰ دلار آمریکا بابت هزینه های داوری ، به خواهان ، کامپیوتر ساینسز کورپوریشن ، بپردازند .

تعهدات مزبور با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر ، ایفاء خواهد شد .

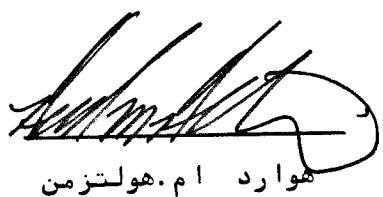
باقی ادعاها و ادعاهای متقابل مردود شناخته می شوند .

بدینوسیله حکم حاضر جهت ابلاغ به کارگزاران مانی به ریاست دیوان تسلیم می شود .

لاسه ، به تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۸۶ برابر با ۲۷ فروردین ماه ۱۳۶۵



کارل - هاینس بوکشتیگل
رئیس شعبه یک



هوارد ام. هولتزمن

بنام خدا



محسن مصطفوی

موافق با قسمتی و
مخالف با قسمتی دیگر

کا ملا" با حکم موافقم ، به استثنای پرداخت ۴۰،۰۰۰ دلار هزینه دادرسی ، که فقط به منظور حصول اکثریت ، به حکم می پیوندم . رجوع شود به نظر جداگانه من در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینکورپوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران ، حکم شماره ۱ - ۶۴ - ۱۸۰ (۲۷ ژوئن ۶/۱۹۸۵ تیرماه ۱۳۶۴)